

پیام سندیکا



شماره ۴۵  
سال ششم / اسفند ۱۳۹۴  
نشریه سندیکاهای کارگری ایران

پیام سندیکا  
پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

چاپی و الکترونیکی  
فارسی و انگلیسی

حاصل اتحاد قاریخی کارگران سندیکایی  
در راستای تشکل و آگاهی برای کارگران

# پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و بر طرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیر بیمه.

## بند ۱۲ از اصل ۳ قانون اساسی



سندیکای کارگران  
نقش و ترئینات  
تاسیس: ۱۳۴۸



اتحادیه  
نیروی کار  
پروژه ای

صفحه دوم

سر پیام ۱

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۲

گزارش های خبرنگاران پیام سندیکا از واحدهای تولیدی ایران ص ۱۴

نامه پیشگوت سندیکای آقای فراهانی به پیام سندیکا ص ۲۸

پی کاری در غرب ایران ص ۲۹

کارگران و انتخابات ص ۳۳

انتخابات و نقش تشکلات مستقل از دولت ص ۳۴

دولت سفره رنگ و رورفته کارگران را رونق ببخشد ص ۳۷

وقتی حاکمان کشوری، گودخانه فکر می کنند!!! ص ۳۹

امنیت شغلی کارگران و سیاست خصوصی سازی ص ۴۰

منشور جهانی حقوق سندیکایی ص ۴۴

بازگشت بردهگان به اقتصاد جهانی ص ۵۰

وقتی ارزش همه چیز با پول سنجیده شود! ص ۵۳

پنج سوال از استفتان هاوکینگ دانشمند فیزیکدان و نظریه پرداز انفجار بزرگ ص ۵۶

راه چاره کارگران چیست! ص ۵۹

گلریزان برای نجات انسانی های زحمتکش و فداکار ص ۶۱

به مناسبت روز جهانی زن ص ۶۲

۸ مارس روز جهانی زن خجسته باد! ص ۶۴

در پیشگاه تاریخ و مردم سرپلندم ص ۶۶

زنی است که تسلیم نشد و با این ایستادگی به تاریخ مسیری متفاوت بخشید! ص ۷۱

قترس ترین دختر ایران که از یخها بالا می رود ص ۷۰

زنان جایگاه شایسته خود را در جامعه خواهند یافت! ص ۷۲

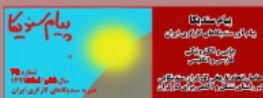
سندیکاهای کارگری و زنان ص ۷۴

فرمانده نیروهای دفاعی کوبانی یک زن است! ص ۷۶

## پیام سندیکا

ماهنامه خبری-تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری ایران  
کاری از کارگران سندیکایی ایران  
بر اساس منشور جهانی سندیکاهای کارگری  
در راستای تشکل و آگاهی برای کارگران  
از مهر ۱۳۹۰ / چاپ تهران (جایی و الکترونیکی)



این روزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق فریاد احساس  
جهت ایجاد رفاه و رفیع فقر و از طرف ساختن فریاد  
ضرورت فرزیده های تقلید و مسکن و کار و بهداشت  
و تعمیر همه  
پنجم ۱۴ از اصل ۲ قانون اساسی



سندیکای کارگران فلزکار مکانیک  
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی  
سندیکای کارگران نقاشی و تزئینات  
سندیکای کارگران بنا  
سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه  
اتحادیه نیروی کار پروژه ای

http://vahedsyndica.com  
vsyndica@gmail.com  
s\_felezkar@yahoo.com  
sfelezkar1961@gmail.com  
www.sfelezkar.com  
irunionmessenger@gmil.com

## سرپیام

این روزها در همه گروههای کارگری بحث تعیین دستمزد سال آینده از موضوعات مهم است. ماده ۴۱ قانون کار می گوید دستمزد بر طبق تورم به گونه ای باید تعیین شود که یک خانواده چهار نفره را تامین کند. آیا تاکنون این موضوع اجرایی شده است؟ بیش از ۱۸۷ درصد مزد کنونی از تورم در این سالها عقب مانده است. خط فقر به ۳ و نیم میلیون تومان رسیده است و ما با ۷۱۲ هزار تومان دستمزد ماهانه محکوم به زندگی فقیرانه ای گشته ایم. متاسفانه دولت با کم لطفی بی سابقه ای اعلام می کند که تورم ۱۲ درصد است. نمی دانیم برآوردکنندگان به قصابی محل سر زده اند تا ببینند که در عرض همین ماه فقط گوشت ۱۵ درصد گران شده است. بخشی از هزینه یک کارگر به موضوع رفت و آمد برمی گردد که امسال فقط اتوبوس های شرکت واحد ۱۰۰ درصد گران شده اند و در پی آن مترو نیز ۴۰ درصد مبلغ بلیت هایش را گران نمود. نان بی کیفیت تر و هر روز کوچکتر می شود. آب، برق، گاز، تلفن، فقط همین امسال با افزایشی ۳۰ درصدی روبرو شده و همچنان چراغ خاموش گران تر هم می شود.

از زمان دولت فعلی وعده ها داده شده ولی عمل نگردیده است. از وعده انتخاباتی آقای روحانی برای دادن ۱۰ درصد کم محاسبه شده دستمزدها در دولت آقای احمدی نژاد ۳ سال می گذرد. دور نرویم در نشست های سال گذشته تعیین دستمزد ۴۰ هزار تومان حق مسکن مصوب شد ولی دولت آن را رد کرد. ترفندی که هر سال به کارگران زده می شود، تعیین دستمزدی برای سال پیش رو با تورم امسال است یعنی زحمتکشان یکسال از دستمزد واقعی عقب هستند. با توجه به اطلاعیه هایی که از سوی سندیکاهای کارگری صادر گردیده که نظرات بیشتر کارگران را نیز پوشش داده است پیشنهاد ما این است ،

*آقای ربیعی خود را یک کارگر و بزرگ شده محله کارگری جوانیه تهران می داند، حقوق وزارتتی خود را اعلام کند و سنگ بنای تعیین دستمزد امسال ، پایه حقوق ماهانه وزیر کار باشد. خانواده های کارگری با قناعت با این حقوق ماهانه وزیرکار زندگی فقیرانه خود را سامان خواهند داد .*

دوستان کارگر ، تا زمانی که بین کارگران همبستگی ظهور پیدا نکند، حقوق ما پامال خواهد شد. سندیکاهای کارگری به عنوان پیشروترین تشکل کارگری باید قدم اول را در راه همبستگی کارگری برداشته و با متحد شدن با سندیکاهای برادر، با شناسایی انجمن های صنفی مستقل کارگری در جهت همبستگی سراسری اقدام کنند. تحریریه پیام سندیکا

## بیانیه سندیکای کارگران شرکت واحد در رابطه با حداقل دستمزد سال ۹۵

دستمزد کارگران در سالیان گذشته با انواع بهانه‌ها نظیر به وجود آوردن رونق اقتصادی، ایجاد اشتغال، تحریم‌ها و غیره هر سال چند برابر زیر خط فقر تعیین شده است. در حالی که مزد کارگر سهم ناچیزی از قیمت تمام شده را دارد و کارگران در بوجود آمدن شرایط نابسامان اقتصادی در کشور نقشی ندارند. متأسفانه در این سال‌ها شاهد رکود شدید اقتصادی در کشور هستیم و ورشکستگی کارگاههای تولیدی و صنعتی باعث فشار مضاعف بر کارگران شده و در دهه گذشته قدرت خرید کارگران به حداقل ترین سطح رسیده و کارگران توان پرداخت هزینه‌های مسکن، خوراک، پوشاک و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و آموزشی را ندارند. دستمزد‌های چند برابر زیر خط فقر با هزینه‌های واقعی زندگی هم خوانی ندارند و سفره کارگران هر روز خالی‌تر از روز قبل می‌شود. در این آشفته بازار بیشترین بهره را کارفرمایان از کارگران می‌برند بطوری که حتی حقوق و دستمزد کارگران به تاخیر می‌افتد و کارفرمایان بطور یک طرفه حق اخراج کارگران را دارند و در بسیاری از موارد حتی هیچ قراردادی بین کارگر و کارفرما منعقد نمی‌شود.

یارانه‌های کالاها حذف می‌شود و بهای ناچیز پرداختی در مقابل افزایش قیمت‌ها به عنوان یارانه نقدی و آزادسازی سرسام آور قیمت‌ها همه علیه کارگران و معیشت آنهاست. همه اینها در حالی اتفاق می‌افتد که دستمزد کارگران را متناسب با افزایش هزینه‌ها تعیین نمی‌کنند، و برخوردهای پلیسی، امنیتی و قضایی با کارگران معترض به طور روزمره جاری است. خشونت‌هایی که نسبت به کارگرانی که در راستای حقوق اولیه انسانی و قانونی و بین‌المللی خود تشکل‌های مستقل کارگری ایجاد کرده‌اند بسیار شدیدتر از برخوردی است که با افرادی که اموال مردم را به تاراج برده‌اند داشته‌اند.

ما کارگران با عنایت به موارد فوق و به منظور اعلام نظر خود در راستای داشتن یک زندگی شرافتمندانه خواهان تعیین حداقل دستمزد بالاتر از خط فقر (که کف آن در سال جاری سه و نیم میلیون تومان در ماه است) هستیم. بدین منظور، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه خواهان اجرای بند ۲ ماده ۴۱ قانون کار و تعیین دستمزد کارگران متناسب با یک زندگی انسانی و منطبق با استانداردهای متعارف و بالای خط فقر می باشد. سندیکای کارگران شرکت واحد حق خود می داند برای تحقق حداقل دستمزد بالای خط فقر اقدامات مقتضی و ضروری را در دستور کار خود قرار دهد.

## سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۵ / اسفند / ۱۳۹۵



« سندیکای کارگران فلزکارمکانیک از اطلاعیه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی و اطلاعیه مشترک انجمن صنفی صنعت گران عسلویه و اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران حمایت کرده و نظرات سندیکاهای برادر را تایید می کند. به امید گسترش همبستگی کارگری »



## اطلاعیه مشترک انجمن صنفی صنعت گران عسلویه و اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران

این دو نهاد صنفی کارگران پروژه ای با حفظ ساختار تشکل خود، در زمینه مشکلات روز کارگری به صورت مشترک نظرات و انتقادات خود را اعلام می کنند. با توجه به شرایط فعلی که پیمانکاران حتما اطلاعیه حراست را ندیده می گیرند (طبق این اطلاعیه باید پیمانکاران تا ۵ اسفند کلیه مطالبات کارگران را به خاطر انتخابات پرداخت کنند) و تا ۲۴ بهمن هیچ اقدامی در این زمینه انجام نداده اند و این اطلاعیه را یک کار تبلیغاتی برای . . . می دانند. به دین گونه در عمل به کارگران نوید سفره های خالی شب عید را می دهند. از سوی دیگر، با توجه به نشست های نمایندگان دولت و کارفرمایان و چند نماینده انتصابی دولتی بنام نمایندگان کارگران، این دو نهاد صنفی کارگری نظرات و پیشنهاد خود را بدین شرح اعلام می دارد.

۱ - دولت های پس از جنگ همه ی مناطقی را که صنایع سنگین و پالایشگاهی و پتروشیمی های ایران در آنجا در حال ساخت است، مناطق آزاد و تجاری - صنعتی اعلام نموده و بدین شیوه همه ی این مناطق را از شمول قانون کار خارج نموده است، بدون هیچ توجیه قانونی، آن هم با ندیده گرفتن قانون اساسی کشور. این عمل کرد دولت های پس از جنگ همه ی حقوق کارگران صنعتی و مهندسان فنی را که تولید کننده صنایع بزرگ و مادر ایران هستند پایمال نموده است. ما این مقرارت دولتی را که نفی کننده قانون اساسی ایران است، غیر قانونی می دانیم و اعمال آن را به وسیله ی این دولت ها محکوم می کنیم و آن را یک چرخش تاریخی بر علیه منافع کلیه حقوق بگیران ایران به خصوص قرارداد موقتی ها می دانیم.

۲ - کلیه ی مقرراتی را که برای جاگزینی قانون کار در پروژه های نفتی ایران توسط دولت رفسنجانی کاربردی گردیده است (در سال ۷۳) به نام "روابط کار، قراردادهای کار و مقررات تامین اجتماعی" چون کلیه اصولش بر خلاف مفاد قوانین قانون کار و قانون اساسی کشور است بی اعتباری می دانیم و از نظر کارگران و جاهت قانونی ندارند. به خصوص ماده ی ۴۶ که اعلام نموده پیمانکاران موظف به بیمه کردن کارگران نیستند. و ماده ی ۳۴ که به پیمانکاران اختیار داده است برغم حکم دادگاه های قانونی برای بازگشت بکار کارگران می توانند از بازگشت به کار کارگران جلوگیری کنند.

دولت ها موظف هستند منافع همه ی مردم را پاسداری کنند، نه فقط مدافع منافع سرمایه داران باشند.

۳ - بدین وسیله این دونهاد صنفی کارگران مخالفت شدید خود را با اظهارات رییس دولت که گفته بودند آموزش و پرورش و بهداشت را به بخش خصوصی واگذار می کنند اعلام می نمایند. اعلام چنین مطالبی از زبان ریاست دولت، بیان گر این واقعیت است که یا ایشان باور دارند در قبال منافع اکثریت مردم هیچ مسیولیتی ندارند و یا؛ اطلاعات حقوقی ایشان در آن مرتبه ای نیست که درک کنند بدین گونه، قانونی بودن حاکمیت فعلی را از مشروعیت انداخته اند، زیرا یکی از مهم ترین وظایف رییس دولت پاسداری از کاربردی شدن قانون اساسی است نه حذف آن، از سوی دیگر همه ی درآمد نفت و گاز و . . . به همه ی مردم ایران تعلق دارد نه به یک اقلیت خاص.

۴ - حداقل حقوق فعلی با واقعیت های موجود در جامعه قابل انطباق نیست. برخلاف آمار های به اصطلاح "مهندسی" شده ی بانک مرکزی در باره ی میزان تورم هیچ کالای ضروری زندگی زحمتکششان ارزان نشده است. سال پیش نان سنگگ ۶۰۰ تومان بود. ابتدا ۸۰۰ و بعد ۱۲۰۰ و ۱۴۰۰ تومان

شد، تنها در تک و توکی از نانو‌ها نان به نرخ ۸۰۰ تومان فروخته می‌شود که از نظر وزن و کیفیت به شدت سقوط کرده است.

چون بدون کار کارگران و کشاورزان هیچ تولید اجتماعی صورت نمی‌گیرد و تنها کار این نیروی کار اجتماعی است که امکان زندگی را فراهم نموده است، مقدار حداقل حقوق کارگران باید به میزانی رشد نماید که بتواند زندگی یک خانواده ۴ نفره را از نظر مسکن، آموزش کودکان، بهداشت، تغذیه و پوشاک تامین کند. در ضمن در تعیین حداقل حقوق، باید نماینده واقعی کارگران که در یک انتخابات غیر استصوابی انتخاب شده شرکت کند.

۵ - کلیه شرکت های مپاوری کار(دلالتان کار) باید منحل گردند و شرکت های صنعتی بزرگی که برنده ساخت پروژه شده اند خود باید به ساخت بپردازند، نه شرکت های دست دوم، سوم، چهارم و . . . به صورت فعلی فقط منابع کشور هدر می رود و پروژه ها با کیفیت مطلوب ساخته نمی شوند.

۶ - نظارت بازرسان تامین اجتماعی بر شرکت های پیمانکاری برای پرداخت سهم بیمه کارگران طبق حقوق دریافتی شان نه بر اساس محاسبه حداقل حقوق.

۷ - برای خارج شدن جامعه از بحران موجود تنها راه حل تغییر بنیادی در مناسبات اقتصادی فعلی کشور است. یا به زبان ساده؛ کنار گذاشتن مناسبات تعدیل ساختاری و خصوصی سازی است و بازگشت به اصل ۴۴ قانون اساسی و کلیه اصولی که آزادی اندیشه را تضمین کرده است.

## اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران

انجمن صنفی صنعت گران عسلویه ۲۴ بهمن ۹۴



## پیام توافق هسته ای به زحمتکشان ایران

پس از دادگاهی کردن آقایان ابراهیم مددی رییس سندیکا و داود رضوی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد به دلیل سازماندهی کارگران و سپس به دادگاه کشاندن ۷ کارگر سنگ آهن بافق به دلیل اعتراض به خصوصی سازی و در پی آن بازداشت ۲۰ کارگر مجتمع مس خاتون آباد به دلیل اعتراض به تغییر وضعیت استخدامی و اخراج در ۱۵ روز اخیر که منتهی به روزهای نشست در رابطه با دستمزد سال ۹۵ است، ما می پرسیم چه پیامی در این بازداشت ها و دادگاهی کردن ها نهفته است؟

چه خوابی در لایحه توسعه ششم برای زحمتکشان دیده شده است؟ آیا به زعم دولت زحمتکشان باید از حقوق اساسی و انسانی خود دست بکشند؟

در یک هفته جاری بیش از ۲۰۰۰ کارگر در عسلویه، قلب اقتصاد ایران، برای عقب افتادن حقوق ۴ یا ۵ ماهه خود دست به اعتصاب زدند و بیش از ۲۰۰ نفر از آنان اخراج گشتند. ۴۰۰ معدنچی طرزه شاهرود به ۴ ماه عقب افتادن دستمزدشان اعتراض کردند. ۲۰۰ معدنچی ذغال سنگ یورت استان گلستان به ۱۱ ماه عقب افتادن دستمزدشان معترض بودند. اعتراض ۲۰۰ کارگر نی بر نیشکر هفت تپه بابت بخشی از مزد و مزایای و پاداش بهره وری امسال و سال گذشته در کارخانه تجمع کردند.

وزرای کار، اقتصاد و دادگستری، تا به کی می خواهید با امتیاز دادن به کارفرمایان، خانواده های زحمتکشان را از دستمزد عقب افتاده اشان محروم کنید؟ و به جای رسیدگی به نقض حقوق انسانی زحمتکشان آنان را به دادگاه بکشانید؟ چطور می شود در روزهایی که دستمزد ماهانه ۴ برابر زیر خط فقر کارگران ایران خرج چند روز خانواده های شماست، ۱۱ ماه و یا کمتر دستمزد کارگر به عقب بیفتد و پرداخت نشود؟ و اگر اعتراض کرد او را دادگاهی کرد؟

## دوستان کارگر،

زندانی کردن کوشندگان کارگری و دادگاهی نمودن اینان در دادگاه انقلاب ، آن هم در روزهایی که این انقلاب به دست توانمند ما پی ریزی شده است، و در آستانه نشست های شورای عالی دستمزد برای تعیین دستمزد سال ۱۳۹۵ تنها یک پیام برای ما دارد: ما به جرم بیرون راندن شاهی فاسد و کارگرکش و سر دادن شعار برابری و برادری و عدالت اجتماعی، به جرم پیکار در جبهه های جنگ و بیرون راندن بنیان گذران داعش از سرزمین کارگرمیان ایران ، به جرم کوشش برای داشتن ایرانی آباد و مستقل از بیگانگان به قیمت محروم شدن از ایمنی کار در محل کارخانه، به جرم خواستن بهداشت رایگان – آموزش و پرورش رایگان که در قانون اساسی تاکید شده – به جرم نظارت بر اندوخته هایمان در سازمان تامین اجتماعی به بازهم دستمزدی کمتر از خط فقر محکوم خواهند کرد. وبه جرم اعتراض به این حکم اخراج و زندانی خواهند نمود.

پس از توافق هسته ای سرمایه داری ایرانی و خارجی خواهان کارگرانی مطیع ، ایرانی بدون قانون کار و محیطی برده وار هستند. کارفرمایان امسال تاکید فراوان به اجرای ماده ۴۱ قانون کار در رابطه با دستمزدها می کنند. چرا که دولت اعلام کرده تورم در اسفند ماه تک رقمی خواهد شد.

ما ضمن اعتراض به عقب افتادن دستمزدهای زحمتکشان، دادگاهی و زندانی نمودن کوشندگان کارگری و دیگر کوشندگان در عرصه های دیگر ،خواهان باز نمودن گفتگوهای کارگری با دولت و کارفرمایان همچون توافق هسته ای هستیم. ما خواهان افزایش قدرت خرید همه زحمتکشان هستیم.و با افزایش دستمزدی که ما را بیشتر فقیر کند مخالفیم .

**کارگران ، سندیکاهای کارگری ، انجمن های صنفی مستقل کارگری،**

تنها اتحاد ما می تواند سرمایه داری را به پای میز مذاکره بکشاند. برای دفاع از دستمزدهایمان و آنچه در قانون برایمان پیش بینی شده است باید متحد شد.

## سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ۱۲ بهمن ۱۳۹۴



سندیکای کارگران فلز کار مکانیک  
تاسیسی ۱۳۳۹  
نیت وزارت کار ۳۴  
بازگشایی ۱۳۸۴

« سندیکاهای کارگری برای دستمزدی که با ۸ ساعت کار بتوان یک خانواده ۴ نفره را اداره کرد، می کوشند »

« سندیکاهای کارگری برای تصویب قانونی که کارفرمایان را به دلیل عقب انداختن حقوق چندماهه کارگران، مجازات و جریمه کند، می کوشند »

« سندیکاهای کارگری برای آموزش و پرورش رایگان، بهداشت رایگان، مسکن رایگان، ورزش رایگان و همگانی، طبق قانون اساسی می کوشند. »



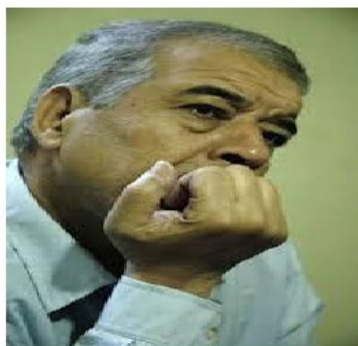
نزدیک به دو هفته است که ۲۸ تن از کارگران معترض معدن مس خاتون آباد بازداشت شده اند و در زندان شهر بابک بسر میبرند.

ما به نمایندگی از اتحادیه جهانی کارگران صنعتی (اینداستریال)، که ۵۰ میلیون کارگر در صنایع انرژی، معادن و تولیدی را در ۱۴۰ کشور جهان نمایندگی می‌کند، از دولت ایران می‌خواهیم که فوراً جهت تضمین آزادی ۲۸ کارگر معدن مس خاتون آباد، که در زمان برگزاری تجمع صنفی جهت بازگشت به کار ۱۷۰ نفر از کارگران قراردادی بازداشت شدند، مداخله نماید.

اتحادیه جهانی کارگران صنعتی مصرانه از دولت شما می‌خواهد که جهت آزادی فوری و بی‌قید و شرط این ۲۸ کارگر کوشش نماید. علاوه بر این، ما از دولت شما می‌خواهیم که به شرکت ملی صنایع (مس) ایران، که صاحب صنایع مس خاتون آباد می‌باشد، دستور دهد که ۱۷۰ کارگر قرار دادی که اخیراً اخراج شده بودند را دوباره استخدام نماید.

در این راستا، اتحادیه جهانی کارگران صنعتی از دولت ایران می‌خواهد که مقاله نامه ۸۷ سازمان جهانی کار که متضمن آزادی تشکل و حفاظت از حق سازماندهی و مقاله نامه ۹۸ سازمان جهانی کار در مورد حق تشکل و مذاکره دسته جمعی را به تصویب برساند.

## محاکمه ابراهیم مددی نایب رییس سندیکای کارگران شرکت واحد امروز سوم اسفند برگزار نشد.



ابراهیم مددی نایب رییس هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که قرار بود امروز سوم اسفندماه، توسط دادگاه انقلاب شعبه ۲۶ بخاطر فعالیت های سندیکایی و کارگری مورد محاکمه قرار گیرد، بعلت بیماری و شرایط بد جسمانی و گواهی پزشکی مبنی بر استراحت مطلق نتوانست در دادگاه حاضر شود و بنابر درخواست وکیل ایشان آقای صالح نکیبخت و موافقت قاضی قرار شد دادگاه در نوبتی دیگر انجام شود، بنابر اظهارات آقای صالح نکیبخت با توجه به روزهای پایانی سال به احتمال زیاد دادگاه بعدی آقای ابراهیم مددی به فروردین ماه سال آینده موکول خواهد شد. قابل ذکر است ابراهیم مددی و داود رضوی از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد در نیمه های شب ۹ اردیبهشت ماه سال جاری در منازل مسکونی شان توسط مامورین وزارت اطلاعات دستگیر و با قرار کفالت صد میلیونی بعد از ۲۲ روز بازداشت از انفرادی های بند ۲۰۹ زندان اوین آزاد شدند. داود رضوی در همین شعبه ۲۶ در ۲۳ دی ماه سال جاری بخاطر فعالیت های سندیکایی مورد محاکمه قرار گرفت و به ۵ سال حبس تعزیری محکوم گردید.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه  
سوم اسفند ۹۴

## داود رضوی از اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به ۵ سال حبس تعزیری محکوم گردید.



داود رضوی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد امروز ۲۸ بهمن ماه ۹۴ از سوی دادگاه انقلاب شعبه ۲۶ به پنج سال حبس تعزیری محکوم گردید ، رضوی از اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد که در ۲۳ دی ماه سال جاری در این دادگاه محاکمه شده بود از سوی این شعبه حکم ۵ سال حبس تعزیری به وی ابلاغ شد اتهامات نامبرده الف-اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور ب- ایجاداخلال در نظم و آرامش عمومی از طریق حضور در تجمعات غیر قانونی ای صالح نیکبخت وکیل داودرضوی امروز در دادگاه ایشان را همراهی می کردندو بابت این حکم ابراز تاسف کردند. رضوی که از فعالین سندیکایی کارگران شرکت واحد می باشد از اواخر سال ۸۳ فعالیت های سندیکایی را در شرکت واحد آغاز کرد و در ۱۳ خرداد ۸۴ در انتخابات مجمع سندیکای کارگران شرکت واحد بر اساس رای کارگران به عنوان نماینده سندیکایی و عضو هیئت مدیره سندیکا انتخاب گردید و از همان ابتدا تمام توان و تلاش خود را برای احقاق حقوق رانندگان و کارگران شرکت واحد گذاشت و بارها توسط عوامل امنیتی و اطلاعاتی دستگیر و زندانی شد رضوی در اعتصابات رانندگان شرکت واحد در سال ۸۴ دستگیر و در دادگاه انقلاب شعبه ۱۴ به یک سال حبس تعلیقی در سه سال

محکوم گردید و از همان سال ۸۴ توسط عوامل امنیتی و کارفرما از کارش اخراج گردید در سال ۸۸ با تلاش ها و پیگیری های زیاد و کمک سندیکای کارگران شرکت واحد توانست از دیوان عدالت اداری رای بازگشت بکار بگیرد و بکارش بازگردد از همان شروع بکارش در محیط کار باز هم به فعالیت های سندیکایی ادامه داد و در سال ۹۰ بازنشسته شد هر چند که بازنشستگی نامبرده خارج از اراده بود اما به علت فشارهای بیش از حد که از سوی حراست و مدیریت شرکت واحد در محیط کار برای ایشان وجود داشت به حکم بازنشستگی اعتراضی نکرد. رضوی نماینده مسکن در سپیدار دو و سه هم می باشد و یکی از عمده اتهامات نامبرده شرکت و سازماندهی تجمعات مقابل شهرداری و وزارت کار برای دستمزد سال ۹۴ بوده که با هماهنگی سندیکای کارگران شرکت واحد صورت گرفته است. سندیکای واحد برای حق مسکن رانندگان و کارگران شرکت واحد موفقیت هایی چشمگیر در گرفتن حق مسکن بلاعوض داشته، سندیکای کارگران شرکت واحد از ابتدا تا امروز برای رانندگان و کارگران شرکت واحد مطالبات بسیاری را پیگیری کرده و دست آورده های بیشماری را بدست آورده است.

سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن محکوم کردن حکم ۵ سال زندان برای آقای داود رضوی، هرگونه تهدید فشار و محکومیت علیه فعالین سندیکایی و فعالین مستقل کارگری را محکوم نموده و خواستار برجسته شدن فضای امنیتی برای کارگران حق خواه و فعالین کارگری می باشد و خواستار آزادی تمامی کارگران و فعالین کارگری در بند می باشد.

## سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۲۸ بهمن ۹۴



## گزارش های خبرنگاران پیام سندیکا از واحد های تولیدی ایران



### گزارش خبرنگار پیام سندیکا از کارگاههای زیرزمینی:

من در یک کارگاه مونتاژ بُرد الکترونیکی کولر ایران خودرو در کرج کار می‌کنم. در این کارگاه ۵ نفر زن از صبح ساعت ۷ تا غروب ساعت ۵ بعد از ظهر کار می‌کنند. در کارگاه ما ۲ ساعت اضافه کاری اجباری است و حقوق ماهانه هم ۵۰۰ هزار تومان است. کار ما اینجا تولید بُرد و بیشتر لحیم کاری است. کارفرمای ما هر دو روز یکبار برای بردن کارهای آماده به کارگاه می‌آید. در این کارگاه از بیمه، اضافه کاری، سنوات، خبری نیست. ما حتا دستکش و ماسک را هم خود می‌خریم و کارفرما می‌گوید: «به من ربطی ندارد و این موضوع شخصی است.» از هواکش هم خبری نیست. در کارگاه ما زنان کارگر از کمر درد، گردن درد، دست درد رنج می‌برند. صندلی‌هایی که ما می‌نشینیم به هیچوجه خوب نیست و باعث خستگی زیاد می‌شود. فشار کار زیاد است و ما حتما باید در طی دو روز به اندازه یک وانت نیمان کار تولید کرده باشیم که ببرند و تحویل بدهند. در طی ۵ سالی که این کارفرمای ما که یک نظامی است با ایران خودرو قرارداد بسته است، وضع مالی خوبی پیدا کرده چون روز اول حتا وانت کرایه می‌کرد در صورتی که الان نیمان دارد. در این ۵ سال هیچوقت به ما عیدی نداده است. چند روز پیش صحبت از خرید خانه ای دو میلیاردی می‌کرد.



## تجمع کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به خصوصی سازی



صبح امروز (دوشنبه ۳ اسفند) کارگران و فعالان کارگری مستقر در شرکت نیشکر هفت تپه شوش دانیال در اعتراض به خصوصی سازی این واحد تولیدی مقابل ساختمان اداری این واحد صنعتی تجمع کردند.

از روز ۳۰ بهمن فعالان کارگری نیشکر هفت تپه که متوجه فروش کارخانه بدون انجام مراحل قانونی شده بودند شب ۲۹ بهمن به سراغ نماینده مجلس منطقه خود رفته با اعتراض او را و ادار می کنند که به تهران آمده و موضوع را پیگیری کند. این نماینده پس از برگشت به دروغ به کارگران اعلام می کند که موضوع فروش کارخانه منتفی است که ما هم در خبری در ۳۰ بهمن آن را به اطلاع خوانندگان خود رساندیم.

با آمدن آقای کاظمی مدیر عامل منصوب شده، ایشان طی تحرکاتی با استخدام کارگران غیر بومی و خرج تراشی های بسیار زیاد از جمله بازسازی دفتر شرکت را بصورت مجلل آنهم در شرایطی که کارخانه برای پرداخت حقوق کارگران مشکل دارد، شک کارگران را برانگیخته است.

فروش کارخانه بدون مزایده و روند قانونی فروش، فروش به یکی از بستگان آقای مدیرعامل در شرایطی که خریداران با شرایط بهتر وجود دارد

این پرسش را به ذهن می آورد که چرا چنین روندی در شرکت نیشکر هفت تپه رخ می دهد. آیا به این دلیل نیست که با آمدن خریداران خارجی این شرکت مفت فروخته شده به سرمایه گذاران خارجی با قیمتی افسانه ای فروخته خواهد شد و جیب های گشاد مافیای خصوصی سازی را پر خواهد کرد. منتظر خواهیم ماند تا ببینیم چه خواهد شد.

سندیکاهای کارگری خواهان راه اندازی صنایع با دستاورد توانای کارگران هستند، تا بدین گونه هم بیکاران سرو سامانی بگیرند و هم از واردات کاسته شود. راه اندازی صنایع به نفع امنیت ملی و سندیکاهای کارگری است چرا که تعداد کارگران به لحاظ کمی رشد یافته و به سندیکاهای کارگری خواهند پیوست و توان جنبش کارگری برای مقابله با برنامه های ضد کارگری بیشتر خواهد شد.

(تحریریه پیام سندیکا)

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از هفت تپه:

## فروش غیر قانونی نیشکر هفت تپه به بخش خصوصی

اعلام این خبر و ورود کارگران به این موضع در شب گذشته ، باعث گردید شبانه نماینده مجلس شهر به تهران رفته و با لغو فروش غیر قانونی به این قضیه خاتمه بدهد. مافیای مالی ایران در پی خرید کارخانه ای است که در خاورمیانه بی نظیر است و می تواند در صنایع قندی منطقه را بی نیاز کند. و در این راه مدیران بی لیاقت با سو مدیریت و بدهکار کردن هرچه بیشتر و کارشکنی در روند تولید به مافیا کمک می کنند. ۳۰ بهمن ۹۴

## گزارش خبرنگار پیام سندیکا از هفت تپه:

روز شنبه ۲۴ بهمن ۲۰۰ کارگر نی بر سیاه ( نی های سوخته) نیشکر هفت تپه در واکنش به پرداخت نشدن بیش از ۶ ماه حق بیمه دست از کار کشیده و جاده راه آهن را بستند. همچنین بخشی دیگر از این کارگران کشاورزی به قصد تجمع در مقابل ساختمان فرمانداری شهرشوش مسافت ۷ کیلومتری محل کار تا ورودی شهر را راهپیمایی کردند. پرداخت نشدن ۱۰ میلیارد تومان از مطالبات بیمه‌ای کارگران فصلی نی برکه مربوط به سالهای ۶۸ تا ۹۰ می‌شود به این مشکلات افزوده گردیده است. شرکت کشت و صنعت هفت تپه حق بیمه سال جاری کارگران نی بر را پرداخت نکرده است. متأسفانه نمایندگان این کارگران که برای مذاکره فرا خوانده می‌شوند قدرت چانه زنی لازم را نداشته و با وعده های مبهم به این اعتراضات خاتمه می‌دهند. این کارگران در مورد بازنشستگی، پاداش های هر ساله آخر سال، بن های کارگری کارخانه و از همه مهمتر دستمزدهایشان با کارفرمای هفت تپه آقای کاظمی اختلافات فاحشی دارند. این کارگران که هر ساله از مهر ماه به استخدام شرکت هفت تپه در می‌آیند تا آخر اردیبهشت کار کرده و سپس بیکار می‌شوند.

خبرنگار ما از تجمع های اینگونه کارگران هفت تپه تا آخر سال خبر می‌دهد.

## گزارش تکمیلی خبرنگار پیام سندیکا از هفت تپه:

در حالی که شرکت هفت تپه برای پرداخت حقوق ماههای دی و بهمن اعلام بی پولی کرده است. در ماههای اخیر شاهد استخدام بی رویه در این کارخانه هستیم. این افراد که بیشتر از اعضای خانواده های مدیرعامل شرکت آقای کاظمی هستند از شادگان و اهواز ثبت نام کرده و به استخدام شرکت پذیرفته

می شوند. خنده دار آنجاست که آقای ساکی که مسوول استخدام است نیز از اعضای فامیل آقای کاظمی است. حنا خانم حمادی که منشی مدیرعامل است نیز از فامیل های مدیرعامل محترم می باشند. این افراد که زیر نظر پیمانکاران کار می کنند هنوز بعد از ماهها حقوقی هم دریافت نکرده اند. و این درحالی است که شرکت بیش از ۲ میلیارد فقط باید هزینه این تازه استخدام شده ها را بدهد. جالب این جاست که این استخدام ها نه برای بخش انبار و کشاورزی که به نیرو احتیاج دارند بلکه برای بخش حراست، مهندسی، و اداری استخدام شده اند. با توجه به اینکه کارگران بومی شوش بیکارند و اولویت استخدام باید با آنها باشد دلیل آوردن نیرو از شادگان و اهواز بسیار مشکوک است. در سه سال گذشته پاداش و لباس کار هر ساله داده نشده، کفش کار امسال به کارگران داده نشده، شیر که اصلن نمی دهند و بابت غذا هم فقط ۲۵۰۰ تومان داده می شود. برای کارگران کشاورزی سرویس رفت و آمد وجود ندارد و کارگران با وسیله های خود به سرکار می آیند.

کارشناسان کارگری عقیده دارند که کاظمی ها وظیفه دارند این کارخانه را به ورشکستگی بکشانند و با آمدن سرمایه داری خارجی به آنها فروخته شود. فامیل این آقا هم در زمان فروش مبالغی گرفته و کارخانه را ترک کنند. زمین های کشاورزی نیشکر هفت تپه بیش از ۱۸ هزار هکتار است که هر هکتار با قیمتی از ۵۰ الی ۸۰ میلیون قیمت گذاری می شود.



## گزارش خبرنگار پیام سندیکا از عسلویه :



حمله به کارگران اعتصابی پتروشیمی، اعتصاب کارگران شرکت olec

عسلویه - روز یکشنبه دوم اسفند ۹۴ هنگامی که کارگران اخراج شده آشپزخانه پردیس در مجتمع پتروشیمی عسلویه دست به تجمع اعتراضی زدند، مورد حمله نیروی انتظامی قرار گرفتند.

این تهاجم به دستور مقامات محلی و به منظور ایجاد ارباب برای خاموش کردن اعتراضات کارگری انجام گرفته است. طی این تهاجم که کارگران بی‌دفاع با باتون و شوک مورد ضرب قرار گرفتند چهار نفر از کارگران زخمی شده و توسط همکارانشان به بیمارستان منتقل شدند.

### تجمع اعتراضی کارگران شرکت olec در عسلویه

ساعت ۵.۵ بعدازظهر روز یکشنبه ۲ اسفند، کارگران شرکت olec هنگامی که متوجه شدند کارفرما قصد دارد حقوق دی و بهمن را بعد از عید پرداخت کند دست به تجمع اعتراضی زدند.

آنان در مقابل درب ورودی سایت گرد آمدند و به مدت چندساعت در ورودی را بسته و مانع تردد شدند.

## گزارش اول خبرنگار پیام سندیکا از عسلویه:

امروز اومدم عسلویه.. درگیر کار بودم... فقط دیروز یکی از آشنایانمان که در روستایمان حراست شرکت نفت هست به من گفته بود که یک اعلامیه برای حراست شرکت نفت فرستادن که تا پیش از برگزاری انتخابات کارگران را تسویه حساب بکنند... وقتی امروز به عسلویه اومدم چنین چیزی رو هم شنیدم که تا پیش از انتخابات میخوان کارگران رو تا برج ده یا یازده پولشون رو پرداخت کنن تا اعتصابی صورت نگیره... یا اینکه کارگران بیان سر صندوق انتخابات حضور داشته باشن.

فاز ۲۲، ۲۳، ۲۴ هم که تعطیل هست و شرکت جهان پارس هم کامل جمع کرده و حدود صد نفر از نیروهای شرکت تسکو که مربوط به راه اندازی هستن رو راه دادن که کار کنن... به احتمال زیاد میخوان کار رو به شرکت تسکو بدن... شرکت تسکو در فاز ۱۵، ۱۶ مسؤول راه اندازی بوده است.

لازم به یادآوری است که فاز ۲۲، ۲۳، ۲۴ دو هفته پیش دست به اعتصاب گسترده بخاطر پرداخت نکردن دستمزد کارگری در مدت ۵الی ۶ ماه زده بود که همه نفرات شرکتهای اعتصاب کننده اخراج و بلک لیست شدند و دیگر کارگران و صنعتگران در حال تعلیق به مرخصی اجباری فرستاده شدند... و ۱۲ نفر توسط نیروی انتظامی بازداشت شده بودند... و سپس بعد از چند روز با تعهد آزاد شدند.

شرکتهای البرز نوین و پیمانکاری کوراوند که اخراج، تسویه و بلک لیست شده بودند هم اکنون در حدود بیست روزی است که شرکت oeid به جای آنها نیرو استخدام میکند... همه کارگران منتظر اول برج ۱۲ هستن... که ببینن پیمانکار میخواد چیکار بکنه... چون قصد دارن تا برج ۱۰ رو تسویه بکنن ولی کارگران میگن بایستی تا برج ۱۱ رو پیش از عید تسویه حساب بکنه و این در حالی است که پیمانکار به نیروهای جدید میگه برج ۱۱ رو پیش از عید بهتون

نمیدم... البته در ابتدای استخدام.. کارگری که چند روز پیش در فاز ۱۹ شرکت گاما به بالای ارتفاع رفته بود که اگر پولم را ندهید خودم را به پایین پرت میکنم و شب همانجا داخل سایت بود تا اینکه فردا صبح مبلغ ۱۶ میلیون پولش را بصورت چک نقد تحویلش دادند ولی او را تسویه و بلک لیست نمودند... البته او یک مهندس هست...

### گزارش دوم خبرنگار پیام سندیکا از عسلویه:

نقل مکان کارگران شرکت ستاره تراز فاز ۲۰ و ۲۱ از کمپ نخل تقی به سمت بیدخون در تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۸ که بعد از پایان کار روزانه انجام شد بسیار جای نگرانی داشت؛ چرا که کمپ جدید دارای حشره ریز ساس بود و کارگران خسته بخاطر خارش دست و پا و بدن خودشان دیشب نتوانستند در کمپ جدید بخوابند. نبود آبگرمکن برای حمام در این هوای سرد و وضعیت بد سرویسهای بهداشتی و نبود آب آشامیدنی مانع از خوابیدن کارگران شد و دیشب با نگرانی خوابیدند و امروز صبح جمعه تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۹ در ساعات اولیه صبح به خاطر این شرایط نا مساعد اعتصاب کردند... سرپرست شرکت به کارگران وعده داد که در جهت بهتر شدن شرایط، تلاشهای لازم را انجام دهد و از کارگران خواست به سر کارشان بروند.. کارگران هم با حالتی خواب آلوده مشغول کار شدند... در این اعتصاب ایمنی او یک هم حضور داشت و در جهت درست شدن وضعیت رفاهی و بهداشتی کارگران تأکید کرد.

### گزارش خبرنگار پیام سندیکا از عسلویه :

متأسفانه اضافه کاری های اجباری در زمستان در منطقه عسلویه و کل پارس جنوبی بسیار نگران کننده هست. چرا که کارگران هیچ وقت استراحتی ندارند

و شبها وقتی که می آیند مجبورند با آب سرد حمام کنند. به خاطر همین امر هم سرما و آنفلو آنزای شدید سلامتی و جان کارگران تهدید می کند. آن هم در شرایطی که درمانگاه و پزشک حاذق و داروی مفید به اندازه کافی در درمانگاه ها وجود ندارد. و این امر کارگران را در نگرانی و سستی و بیماری فرو برده است.

۱۶ بهمن ۱۳۹۴

## گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ایران خودرو



با توجه به موضوع دستمزد سال آینده، بحث بیشتر کارگران ایران خودرو در دو بخش دور می زند اول مبلغ افزایش حقوق و دوم قرارداد با پژو در مورد دستمزد کارگران عقیده دارند با توجه به گرانی های روز افزون و تورم موجود حداقل حقوق کارگران باید افزایشی ۲۶ درصدی داشته باشد تا کمی فاصله با گرانی ها پر شود.

در مورد قرارداد با پژو کارگران امیدوارند که تغییراتی در مبالغ آکورد و مزایای دیگر داشته باشند. همچنین که تولید مدل جدید پژو باعث تغییر شرایط کاری و همچنین آشنایی با فن آوری جدید را بشود.



## گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت واحد:



با درج مشکلات کارگران و رانندگان و در یک کلمه کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در صفحه تلگرام سندیکای کارگران فلزکارمکانیک و نشریه پیام سندیکا و سایت سندیکا، باعث رفع این مشکلات توسط مسولین مربوطه شرکت واحد گردیده است. از جمله این مشکلات می توان به رفع سر ریز شلنگ آب اتوبوس ها در توقفگاه غرب، تهیه و آماده سازی آب جوش برای رانندگان در توقفگاه غرب، انداختن شیشه ۳۱ اتوبوس سامانه یک. همچنین تویبخ شدن مدیر سامانه یک که برای ماشین آزاروی خود سقف آهنی نصب نموده بود و رایگان شدن ورود ماشین سواری پرسنل در توقفگاه غرب.

کلیه موارد بالا در نشریه، سایت، و صفحه تلگرام سندیکای کارگران فلزکارمکانیک منعکس شده بود.

امیدواریم کارگران و رانندگان زحمتکش شرکت واحد اتوبوسرانی تهران با دادن خبرها و مشکلات خود به خبرنگاران نشریه پیام سندیکا، نشریه زحمتکشان ایران و تماس با صفحه تلگرام سندیکای کارگران فلزکارمکانیک در جهت انعکاس مشکلات خود در نشریه خودشان ما را یاری دهند.

## گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت واحد اتوبوسرانی تهران

خبر اول: طی خبر های رسیده از سامانه یک اتوبوسرانی تهران تعداد ۳۱ دستگاه از اتوبوس هایی که برای نصب شیشه متوقف شده اند به علت پرداخت نکردن مبلغ ۹۰ میلیون بدهی به مجموعه ، از آمار اتوبوسهای خطوط خارج گردیده اند. این موضوع فشار مضاعف بر روی دیگر رانندگان را به همراه داشته است. معلوم نیست مدیریت سامانه یک بودجه ارسالی از مرکز را در چه جایی هزینه می کند که برای شیشه اتوبوس ها به بی پولی بر خورده است.

خبر دوم: کارگران خدماتی توقفگاه غرب فاقد امکانات لازم از جمله دستکش می باشند.

خبر سوم: یکی از مشکلات کارکنان سامانه یک عدم سرویس رفت و آمد برای رسیدن به محل کار می باشد بطوریکه برخی از این کارکنان از وسایل نقلیه شخصی جهت آمدن به سرکار استفاده می کنند.

۲۹ بهمن ۱۳۹۴

## گزارش خبرنگار پیام از شرکت واحد اتوبوسرانی تهران

خبر اول : یکی از معظلات سامانه یک اتوبوسرانی ، طولانی بودن صف اتوبوسها جهت سوار نمودن مسافریین و معطلی بی مورد آنها در پایانه به همراه فشار روحی و روانی بر روی رانندگان زحمتکش می باشد. متأسفانه تا امروز نه تنها این مشکل حل نشده بلکه با برداشته شدن آسفالت به دیگر مشکلات این رانندگان اضافه نیز گشته است. رانندگان همچنان منتظر رفع عیب و خواستار حضور مسوولان در ساعات پایانی کار خود و پایان دادن به این قبیل مشکلات هستند.

خبر دوم : در دیماه گذشته از طریق پیامک به کارگران و رانندگان و کارکنان شرکت واحد بابت پرداخت نشدن سهام از طرف بانک شهر اعلام خبر گذشته و نگرانی هایی را برای پرسنل این شرکت ایجاد نموده بود. با پیگیری رانندگان ، آشکار شد که مسوولین نسبت به پرداخت این سهام به بانک شهر قصور داشته اند بطوریکه پول از سهام داران کسر شده ولی به حساب بانک شهر واریز نگردیده است.

۲۷ بهمن ۱۳۹۴



### گزارش خبرنگار پیام سندیکا از رانندگان تاکسی :

رانندگی در تهران بزرگ بسیار سخت و مشقت بار است. بسیاری از مردم فکر می کنند که رانندگان تاکسی درآمد خوبی دارند. ولیکن آیا واقعاً این طور است؟ رانندگانی که در فرودگان کار می کنند به خیال خیلی از مردم بهترین درآمد ها را در میان دیگر رانندگان تاکسی دارند در صورتی که هر

راننده تاکسی فرودگاه باید حداقل ماهیانه ۴۰۰ هزار تومان بابت کمیسیون به تاکسی رانی بدهد. ماهانه مبلغ ۱۱۰ هزار تومان بابت بیمه تامین اجتماعی، سالانه مالیات شغلی را پرداخت کند، .... بنزین، تعویض روغن، سرویس ماشین .... به اضافه اینکه ماشین هر چقدر مدتش بالاتر باشد هزینه هایش هم زیادتر است. شما بگویید یک راننده تاکسی چقدر باید درآمد داشته باشد تا بتواند مخارج یک زندگی معمولی را تامین کند. در نظر داشته باشید که ما باید بعد از رساندن مسافر به مقصد یک راه هم خالی بیایم.

۲۷ بهمن ۱۳۹۴

### گزارش خبرنگار پیام سندیکا از رانندگان تاکسی :

سازمان تاکسی رانی و شرکت تعاونی تاکسی داران دو نهادی هستند که با مشکلات رانندگان تاکسی در رابطه هستند. بعد از بستن اتحادیه تاکسی رانان که در زمان شاه به بهترین وجهی از خواسته های رانندگان حمایت کرده و در همین رابطه کوشش های فراوانی می کرد، در حال حاضر شرکت تعاونی رانندگان که قرار بود به سهامدارنش که رانندگان بودند خدمات بدهد به منبعی برای حیف و میل افراد خاصی تبدیل شده است.

هیات مدیره و بازرسان بصورت سازمان دهی شده از طرف افراد خاصی به شکل به ظاهر قانونی و با همدستی سرپرستان خطوط انتخاب می شوند. در حال حاضر رانندگان تاکسی ها به رانندگان تاکسی زرد، تاکسی های خطی، تاکسی های فرودگاه، تاکسی های سبز تقسیم شده اند که در زمان انتخابات بدون دعوت همگانی از این چهار بخش و بطور انفرادی انتخابات برگزار می شود. بر روی این باند که در تعاونی حکومت می کنند هیچگونه نظارتی نیست و بسیاری از اموال تعاونی فروخته شده و معلوم نیست به چه مصرفی رسیده است. حقوق های هیات مدیره تعاونی افسانه ای است. در حال حاضر

۱۷ راننده فرودگاه را که اعتراضاتی در مورد عملکرد هیات مدیره تعاونی داشته اند را به خطوط دیگر تبعید کرده اند. هیات مدیره تعاونی مبلغ حق بیمه رانندگان را سه ماهه ۳۲۰ هزار تومان را یک جا دریافت می کند ولی به تامین اجتماعی ماه به ماه پرداخت می کند که با توجه به ۱۵۰۰۰ راننده این ماندن پول در نزد تعاونی سودش مبلغ هنگفتی می شود که معلوم نیست در کجا خرج می شود.

### گزارش خبرنگار پیام سندیکا از رانندگان تاکسی :

درحالی که شرکت تعاونی تاکسی رانی حق بیمه رانندگان را سه ماهش را یک جا گرفته و همین مبلغ را ماه به ماه به تامین اجتماعی پرداخت می کند و از این راه سود خوبی را به جیب می زند ، کاشف به عمل آمده که شرکت تعاونی ۳میلیارد تومان به تامین اجتماعی بدهکار است. از طرفی طی سه ماه گذشته با مراجعه رانندگان تاکسی به شعبه ۵ تامین اجتماعی برای تمدید اعتبار دفترچه هایشان با این موضوع مواجه شده اند که تعاونی به این شعبه ۵۰۰ میلیون بدهکار است که با اعتراض رانندگان فعلا دفترچه های تامین اجتماعی اشان تمدید شده است.

« تا زمانی که سندیکاهای کارگری این بازوی توانمند کارگران بر عملکرد کارفرمایان نظارت نداشته باشد، کارفرمایان سودجو همه گونه اجحاف در حق رانندگان خواهند کرد.»



### هیات تحریریه محترم پیام سندیکا

لطفا مقاله هایی به زبان ساده برای معنای واژه هایی که چندان برای کارگران آشنا نیست و برای خیلی از ما شناخت صخیح آن لازم است توضیح دهید. متشکرم

واژه های : استثمار ، ارزش افزوده ، نئولیبرالیزم ، فاشیزم ، بنیادگرایی ، تورم ، درآمد سرانه ، رکود اقتصادی

ممکن است چند فقره از سوالات مطرح شده با یک مقاله قابل توضیح باشند ولی بهتر است مقاله هایی با مثال های روشن و نمونه های عینی نوشته شود که در ذهن یک نو آموز سندیکایی ثبت و ضبط شود.

« پیشکشوت سندیکایی آقای فراهانی ، امیدواریم بتوانیم با یاری دوستان این پیشنهاد شما را عملی کنیم. همانطور که می دانید در بخش آموزشی یاوران اندکنند. اما باز هم به روی چشم.

با آرزوی سلامتی و سرفرازی شما ، تحریریه پیام سندیکا

## بی کاری در غرب ایران

بر گرفته از سایت کمک [Kmkoomak.wordpress.com](http://Kmkoomak.wordpress.com)



خبر در روستا به سرعت بادهای سرد حاجی آباد پیچید. رحمان اخراج شد. کار داربست بندها و قالب بندها و . . . در تنها پروژه فعال بیستون کرمانشاه به پایان رسیده بود و ۱۵۰ داربست بند و قالب بند و کارگران ساده برای کار می باید به جای دیگری بروند. رحمان در روستای نزدیک پروژه زندگی می کند. او نه گاوی دارد که شیرش را به کودکانش بدهد و نه تکه زمین کوچکی که با کشت ذرت یا گندم لقمه ای نان برایشان آماده کند. از کار در پروژه هم پس اندازی برایشان باقی نمانده است. چون علاوه بر هزینه زندگی خانواده ی ۴ نفره اش، شبها رنج فقر و خستگی کاری شاق و پُر خطر و سراسر تنش را با منقلی ذغال و یک بست تریاک، دود می کند و به آسمان می فرستد.

بیکاری که همراه همیشگی کار در پروژه ها است، همیشه بی قراری و عصبیت رحمان را در پی داشت زیرا جدا از مشکلات خرج و دخل خانواده از همه چیز برای او مهم تر تهیه تریاک بود، از این رو معمولاً روزگار خودش و خانواده را سیاه می کرد. با هر بگو و مگوی معمولی در خانه، از

خود بی اختیار می شد و ضربات مشت و لگد و چوب بود که تن همسرش و بچه ها را کیود می کرد. زن، مادر با قلبی ریش فقط باید تحمل می کرد، آخر او زنی بود دختر زا و پسری برای بقای نام خانواده شوهر نزاایده بود، از سوی دیگر براساس باورهای سنتی روستا، زن باید با لباس سفید عروسی وارد خانه ی همسر شود و با کفن سفید از آنجا خارج شود. ولی از نظر زن، مهم تر از هر ارزشی چه سنتی چه غیر سنتی وجود دخترانش بود، او عاشق ۲ دخترش بود و جدایی از آنها را نمی توانست تحمل کند. این واقعیت گل نشان را به بند کشیده بود. برای خانواده ی زن هم بسیار توهین آمیز بود که زنی خانه ی شوهر را ترک کند. لذا در چنین مواقعی پدر یا برادر بزرگ تر با چوب به جان زن درمانده می افتد و او را به خانه شوهر بر می گردانند.

گل نشان با شنیدن خبر بیکاری رحمان، شوکه شد. همه ی ظرف های شسته از دستش رها شد، مات و مبهوت خشکش زد و دستانش به همان صورت که سینی ظرفها را گرفته بود در هوا باقی ماند. چشمانش بدون آن که ببند به بی نهایت دوخته شده بود. خیر رسان، نگران و ترسیده به سرعت به اولین خانه وارد شد و با یک لیوان آب برگشت ولی از گل نشان در آنجا اثری نبود، ظرفها روی زمین و در میان خاکها افتاده بودند.

این خبر برای گل نشان شوم تر از خبرمرگ حتا دخترانش بود، دو گلی زیبا و پُر جوش و پُر نشاط که تنها عاملی بودند که او را به این زندگی سراسر نکبت پای بند کرده بود. زندگی رنج بار گذشته ، با خواسته های ضد اخلاقی همسری معتاد، و رنج و ستمی که می باید او، زن، مادر به تنهایی به دوش بکشد، به وحشتش انداخته بود. ستمی که قادر نبود آن را پاکسی در میان بگذارد. چهره ی رحمان پس از بی کاری آن هم زمانی که خمار بود، و برای یک تکه ی کوچک تریاک، گل نشان را به باد کتک می گرفت و از او می خواست سراغ شاگرد تریلر ده برود، که از بندر و زاهدان مواد مخدر به روستا می آورد و از او کمی افیون گدایی کند. آن هم از آن جانوری که برای



پول، آماده بود حتا کودکان را معتاد کند. این مواد فروش تنها در صورتی آن خواست رحمان را برآورده می کرد، که گل نشان تسلیم خواست های جنسی او بشود. بدبختی ها، محرومیت ها، گرسنگی و بیماری های کودکانش در جلوی چشمانش رژه می رفتند و این خواست رحمان. مانند آدم هایی که در خواب راه میروند، با چشمانی مات که بی نهایت را می کاوید به خانه رسید. دخترها در حیاط خاکی خانه بازی می کردند. با فریادی غیر معمول که بچه ها را وحشت زده کرد، آن ها را به درون خانه راند و در را از بیرون به روی آن ها بست. به گوشه ی حیاط، آن جایی که اجاق سنگی و تنوری برای پخت نان وجود داشت رفت، بدون هیچ تردیدی گویی سال هاست که این وضعیت را بررسی کرده و به نتیجه قطعی رسیده است. بشکه نفت را به روی خود ریخت و بدون درنگ کبریت کشید. جیغ های جان خراش و غیرمعمول گل نشان همسایه ها را سراسیمه پشت درب حیاط جمع کرد. همه به درب می کوبیدند و گل نشان را صدا می زدند. جوانی از روی دیوار به درون حیاط پرید. گلی آخرین گام های زندگیش را برمی داشت، در حالی که همه ی وجودش شعله ور بود با صورت به زمین افتاد و برای همیشه خاموش شد. بوی گوشت سوخته و بوی نفت و بدنی سیاه و جزغاله شده تعادل جوان را به هم زد، او با استفراغ های شدید تلوتلوخوران به زحمت توانست درب خانه را باز کند و بی حال گوشه ای افتاد.

زنان در غرب کشور در چنان محرومیتی بسر می برند که حتا امکان یک مرگ راحتتر را هم ندارند. تنها امکان موجود برای آنها نفت است برای خود سوزی. این خودسوزی در تابستان ۸۴ در روستا های هرسین کرمانشاه اتفاق افتاد. این متن در همان سال در نشریه کارگری راه آینده منتشر شد. تنها نشریه ی کارگری ایران که "بهترین دموکراسی" دنیا نتوانست آن را تحمل کند.

**اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران**

**ناصر آقاجری ۹ بهمن ۹۴**

## کارگران و انتخابات

در حالیکه چند روز بیشتر به برگزاری انتخابات مجلس و خبرگان باقی نمانده است بحثهای فراوانی چه در سطح افکار عمومی و چه مدیا برانگیخته شده است. جناح دولت خواستار مشارکت عمومی جهت برپایی مجلسی همسو با دولت شده است. اینکه بعد از برجام چه فرصت تاریخی در جهت تقویت مناسبات با سرمایه داری جهانی ایجاد شده و مجلسی همسو میتواند دست دولت را در پیشبرد این اهداف بازتر کند. این لپ کلام طرفداران دولت روحانیست. این جا برای من کارگر چه سوال اساسی مطرح میشود؟ اینکه در سیاستهای اقتصادی دولت، جایگاه کارگران کجاست؟ و آیا اهداف اقتصادی دولت منافع طبقه کارگر را تامین میکند؟ قبلا گفته ایم که از حیث مناسبات اقتصادی، دولت روحانی بشدت پرو غرب میباشد. خصوصی سازی اقتصاد، کوچک کردن حجم دولت، آزاد سازی نرخ ارز و آزاد سازی قیمتها بر اساس عرضه و تقاضا از نمونه های این سیاستهاست. آبشخور فکری جریان دولت به دوران دولت به اصطلاح سازندگی رفسنجانی بر میگردد. سیاستهای تعدیل اقتصادی رفسنجانی هنوز یادمان نرفته است که بر سر زحمت کشان و طبقه کارگر چه تبعات ویرانگری به بار آورد. تورم بالای ۴۵ درصد، افت فاحش ارزش ریال و همچنین شکاف عظیم طبقاتی که اکنون وجود دارد سنگ بنای آن در همان زمان ایجاد شد. آرزوهایی مانند نزدیکی به اقتصاد جهانی، ورود به بازار آزاد و سازمان تجارت جهانی از همان زمان شنیده میشد. دولت فعلی هم سعی در رسیدن به این آرزوها را دارد. خب این رویاهای اقتصادی دولت چه نفعی برای ما کارگران در پی دارد؟ کوچک کردن حجم دولت، بخوانید تعدیل نیروی کار و بیکار شدن کارگران. خصوصی سازی، بخوانید حقوقهای ناچیز، خروج از شمول قانون کار و یعنی بی پناه شدن کارگران و نبود امنیت شغلی. آزادی سازی قیمتها، بخوانید گرانی و تورم، پولدار شدن سرمایه دارها و خالی شدن بیش از پیش جیب کارگران. در زمینه آزادی سازی قیمتها آن چنان عزم دولت جدیست که حتا با سازمانهای ضعیفی مانند سازمان حمایت از مصرف کننده و تولید کننده هم بشدت مخالفند و آنرا بر نمی تابند.

در هر صورت، طرح مسئله مجلس همسو که معمولا با شیوه های پوپولیستی،

یعنی ترساندن مردم از تندروها به پیش می‌رود، برای کارگران یک مسئله انحرافیست. همین کسانی که اکنون دولت را در دست دارند، دولت احمدی نژاد و سیاستهای انبساطی اش در زمینه پولی که معتقد به توزیع ثروت در بخش لایه های پایینی جامعه بود، مانند پرداخت یارانه نقدی و سهام عدالت و مسکن مهر را مورد حمله قرار میدادند و با بیان پوپولیستی آنرا گدا پروری می دانستند. این در حالیست که با وجود نرخ بالای بیکاری، خیلی از مردم با همین پول ناچیز یارانه روزگار می گذرانند. اگر احمدی نژاد این کار را انجام نمیداد تکلیف این همه مستمند و فقیر (کم هم نیستند) چی میشد؟ هر چند، دولت فعلی آنرا خاری در گلو میداند و با پرداخت یارانه نقدی بشدت مخالف است. واقعیت اینست که سیاستها و اهداف دولت یازدهم در زمینه اقتصادی، از کمترین سنخیتی با منافع طبقه کارگر برخوردار نیست. و اصولاً خواستگاه این اهداف حتی نزدیک به خواستگاه طبقه کارگر هم نیست. بورژوازی ایران در حال تکامل و در حرکت به سمت خصوصی سازی و آزاد سازی اقتصادیست که در این مسیر سود آن تنها به جیب سرمایه داران و کارفرماها می‌رود. امروز سرمایه داری وطنی با حمایت از دولت روحانی و جهت تسریع جریان آزاد سازی اقتصاد به دنبال فتح مجلس میباشد. تا در این میان، هیچگونه مزاحمتی از جنبه قانون گذاری وجود نداشته باشد. این جریان میخواهد از برکات پسا برجام نهایت استفاده را برده و شتابان به پیش برود. بنظرم کارگران هم با شناخت ماهیت فکری جریان مذکور، فریب شعارهایی مانند ایجاد مجلس همسو با دولت را نخواهند خورد. در وضعیت فعلی زحمتکشان ایران که وضعیتی بغرنج پیدا کرده است و همچنین منافع کلی طبقه کارگر ایجاب می کند که مجلس آینده همسو با دولت فعلی نباشد. در زمینه مقوله دموکراسی بورژوایی هم که مبتنی بر اصل تکثر یا پلورالیسم است یعنی همان جامعه چند صدایی، مطلوب آنست که عناصر سیاسی تنها از یک طیف نباشند. یعنی جریانات غیر همسو میتواند ترمزی باشد بر علیه بعضی سیاستهای تندروانه دولت در زمینه اقتصادی.

**با آرزوی پیروزی و سربلندی طبقه کارگر**

**رضارخشان عضو هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه**

## انتخابات و نقش تشکلات مستقل از دولت

در تمام نظام های موجود سرمایه داری که هر چند سالی یک بار انتخابات مجلس و یا رئیس جمهوری برگزار می شود معمولا برای کشیدن مردم به صندوق های رای و در حقیقت برای رسمیت بخشیدن به حکومت خود هر گونه شعاری که بتواند مردم را صندوق ها بکشانند داده می شود تا بتوانند رای مردم را بدست بیاورند. در نظام های دیکتاتوری علاوه بر همه این ها، از تخلفات در انتخابات همچون دزدیدن رای مخالف و آراء خود ساخته هم استفاده می شود. دولت ها باید در اجلاس های بین المللی نشان بدهند که حکومت شان قانونی است و هیچگونه زوری برای ادامه حکومت بر مردم اعمال نشده است و بهمین دلیل از هر وسیله ای که قادر باشند خود را نمایندگان واقعی مردم جا بزنند استفاده خواهند کرد. در اروپا سال ها است که اتحادیه های مستقل کارگری ( شامل معلمان، پرستاران، کارگران صنایع، معاددن و دیگر خدمات عمومی) تا حدودی و بطور نسبی توانسته اند در تغییر آرا به نفع جناحی که فکر می کنند در آینده می تواند در تغییر شرایط کار کارگران به نفع آنها عمل کند موثر بوده اند. حال این تصور یا تحلیل و تصمیم رهبران اتحادیه ها تا چه حد درست و یا غلط است احتیاج به بحثی جداگانه دارند. هدف نگارنده در این نوشتار این است که اثبات کند در کشوری که هیچگونه تشکل مستقلی از دولت امکان ابراز وجود را نداشته باشد آن انتخابات حتی در چارچوب مناسبات و متعهدات و مفاد مقابله نامه های بین المللی هم نمی تواند رسمیت داشته باشد و نمی تواند منعکس کننده نظر و رای اکثریت آحاد آن جامعه باشد. "اتحادیه های کارگری، تا دوره معینی از رشد خود توجه خود را تا حد زیادی منحصر به مبارزه مستقیم و محلی علیه کارفرمایان محلی متمرکز می کردند. به همین دلیل آنها از جنبش اجتماعی و سیاسی دور می ماندند. اما آنها وقتی که به توان خود و تاثیر گذاری در تحولات جامعه پی بردند در مسائل اجتماعی هم دخالتگر شدند. برای مثال می توان از شرکت آنها در جنبش سیاسی در اواخر دهه ۱۹۰۰ در انگلستان و از پی بردن به وظایف خود در ایالات متحده در یافت." (نقش اتحادیه ها در مبارزه کارگران - ستار رحمانی) در انگلستان اتحادیه های کارگری تحت نام اتحادیه قانونن حق شرکت در انتخابات را ندارند اما همیشه در انتخابات مجلس نقش داشته اند. حزب کارگر توسط فعالین

کارگری در سال ۱۹۰۰ شکل گرفت. خارج از اینکه تا چه اندازه این حزب توانسته به منافع کارگران در دوره های مختلف متعهد بماند هدف این نوشتار نیست، هدف این است که حداقل اشاره ای بشود به این که اتحادیه های کارگری در انگلیس تا چه اندازه توانسته اند در دوره هایی تأثیرات تاریخی را در انتخابات را داشته باشند که دولت ها را مجبور کنند که رفاه اجتماعی را به عنوان یک اصل برای بقای خود در دستور کار قرار دهند. دولت رفاه در دوره ای که حزب کارگر بر سر کار بود متولد شد، آموزش و پرورش رایگان را برای همه خانواده های با درآمد کم را تثبیت کرد. در مدارس ابتدایی تغذیه رایگان، لباس و حتی دفتر و قلم رایگان برای خانواده های با درآمد پایین تامین می شد، در سطوح بالاتر در دبیرستانها و کالج ها انواع و اقسام کمک هزینه ها برای دانش آموزان فراهم می شد که (نام بردن همه آنها در این جا غیر ممکن است) تا آنها بتوانند به تحصیلات خود ادامه بدهند. فقط یک نمونه خدماتی که تا چند سال پیش (یعنی تا قبل از سال ۲۰۰۸ و قبل از اجرای کامل سیاست نئولیبرالی ریاضت اقتصادی و حمله به معیشت مردم) به دانش آموزان دبیرستانی و کالج ها ارائه می شد این بود که به تمام دانش آموزان با خانواده کم در آمد هفته ای ۳۰ پوند کمک هزینه رفت و آمد داده می شد. در این دوره همچنین دستمزدها بطور نسبی متناسب با هزینه زندگی بالا رفت و امکانات رفاهی بیکاران افزایش یافت، هر کس که بیکار بود می توانست از مکان مناسبی برای زندگی که دولت اجاره اش را می داد استفاده کند، از کمک هزینه بیکاری برخوردار باشد و از تمام امکانات بهداشتی رایگان هم استفاده کند. می شود گفت در کشوری همچون انگلیس اگرچه دمکراسی به مفهوم واقعی کلمه اجرا نمی شود اما در چارچوب همان مناسبات سرمایه داری به رسمیت شناخته شده و قبول و اجرای مقوله نامه های بین المللی و با وجود اتحادیه های کارگری، سرعت، شدت و میزان حمله به معیشت کارگران و معلمان، اختلاس های مالی و انواع رانت های اقتصادی، سیاسی و قضایی با کشوری همچون ایران قابل مقایسه نیست، چرا که نقش اتحادیه ها و همینطور وجود آزادی هایی از قبیل آزادی بیان، اندیشه، اعتراض، اعتصاب و تظاهرات برای همه اقشار جامعه بطور مساوی توانسته شرایطی را در جامعه ایجاد کند که کلیت حاکمان و یا نظام حاکم بر جامعه قدرت مطلق نباشد بلکه معلمان و کارگران و کلیه مزدبگیران جامعه قطب دیگری از قدرت اجتماعی موثر در

تحولات جاری جامعه باشند. در کشوری که نمایندگان و فعالین کارگری و معلمان یا در زندانند و یا تحت کنترل، آزار و اذیت و تهدید. در چنین شرایطی یعنی در فقدان هر گونه تشکل مستقل از دولت و در فقدان هر گونه آزادی های ابتدایی انسانی مسلماً هیچ انتخاباتی نمی تواند رای اکثریت آن جامعه را تامین کند و کاندیداهایی که باید ده ها فیلتر را بگذرند تا بتوانند کاندید شوند هم نمی توانند بعد از انتخاب شدن نماینده واقعی هیچ بخشی از مزدبگیران آن جامعه باشند آنها برای بقای خود مدافع منافع اقلیتی از جامعه یعنی صاحبان قدرت و ثروت خواهند بود. **ستار رحمانی از کوشندگان کارگری در انگلیس**

### « چه فرقی است بین دو مسوول دولتی »

اخبار ۲۰:۳۰ چندی پیش فیش حقوقی معاون بیمه تامین اجتماعی رانشون داد: مبلغ دریافتی: ۵۲۰/۵۶۶/۲۷۸ ریال !!! (بیست و هفت میلیون و هشتصد و پنجاه و شش هزار و ششصد و پنجاه و دو تومان)

نکته جالب توجه قسمت دریافت وام ایشون بود: مبلغ وام دریافتی: چهارصد و هشتاد میلیون تومان وام دریافتی. و قسمت جالبتر: مبلغ ماهانه قسط وام: پانصد و هفتاد هزار تومان. یعنی این وزیر فقیر باید تقریباً ۹۰ سال دیگه وام رو پس بده!! و حالا ....

زین العابدین عبدالکلام به مدت پنج سال رئیس جمهور کشور هند بود. او در (۲۷ ژوئیه ۲۰۱۵) در سن هشتاد سه سالگی درگذشت و ملت هند را به عزا نشاند. تلویزیون ملی هند دارایی و ثروت او را چنین اعلام کرد:

سه دست کت و شلوار، شش عدد پیراهن، یک عدد ساعت مچی، دو هزار و پانصد جلد کتاب، یک آپارتمان دولتی که مدت ها پیش به جامعه دانشمندان هند تحویل داده شد. **موجودی بانکی صفر.**

تنها دارایی او دعای یک ونیم میلیارد جمعیت هندوستان که همراهش بود!

## دولت سفره رنگ و رو رفته کارگران را رونق ببخشد



«عبدالله وطنخواه» نایب رئیس مجمع نمایندگان کارگران استان تهران با اعلام این مطلب به اینلنا گفت: تا به این لحظه فضای پس از برجام برای کارگران مزدبگیر و دیگر افراد آسیب پذیر جامعه چیزی جز تبلیغات پر هیاهوی دستگاه دولت مبنی برای بازتاب پیروزی دیپلماسی نبوده است.

وی باین بیان اینکه در حال حاضر برای اقشار آسیب پذیر از زمان انجام توافق هسته تا اجرایی شدن برجام آسمان به همان رنگ دوران تشدید تحریم‌های اقتصادی باقیمانده است، افزود: کارگران انتظار دارند تغییراتی را که دولتمردان در رنگ‌آمیزی تابلوی جدید دورنمای مناسبات اقتصادی و سیاست خارجی نوید می‌دهند؛ هرچه زودتر در سفره رنگ‌رو رفته خانواده‌های خود مشاهده کنند. دولت با حمایت از واقعی کردن دستمزدها و به رسمیت شناختن دوباره حقوق صنفی نادیده گرفته شده کارگران می‌تواند طعم شیرین دوران پساتحریم را به کام کارگران بچشاند.

او افزود: دستمزد کنونی فاصله بسیاری با خط فقر دارد و در شرایطی که قرار است با به اجرا درآمدن برجام، رونق اقتصادی به کشور بازگردد باید برای افزایش واقعی مزد چاره جویی کرد. با این حال ظاهراً قرار است سیاست‌های

تنظیم کننده مناسبات اقتصادی برای کارگران همچنان بر همان پاشنه ای بچرخد که پیشتر در دوران تشدید تحریم‌های اقتصادی می‌چرخید. این روزها کارگران در هرکوی و برزنی شنونده صدای کوبیده شدن طبل برجام هستند اما در کنار آوای خوش، صدای ناخوشایند کوک شدن ساز تشدید سیاست‌های تعدیل اقتصادی دولت، آنها را به شدت آزار می‌دهد.

این فعال کارگری گفت: کارگران منتظرند تا در راستای اجرای برجام، منابع مالی که در دوران تحریم‌های اقتصادی از گزند تخلفات مالی مصون مانده بود به چرخه مالی کشور باز گردد و از این طریق برداشته شدن ترمزهای بازدارنده افزایش قدرت خرید کارگران به سفره‌های خالی آنها رنگ و لعابی دوباره ببخشد.

وی بابیان اینکه در عمل وقتی کارگران از تصمیمات دولتمردان برای معاف کردن کارفرمایان از پرداخت حداقل مزد به کارگران جوان باخبر می‌شوند و یا اینکه می‌فهمند قرار است امور حاکمیتی دولت در تأمین خدمات بهداشتی و آموزشی به بخش خصوصی سپرده شود چنین نتیجه می‌گیرند که گویی قرار نیست شرایط آنها با دوران اعمال تحریم‌ها تفاوت چندانی داشته باشد.

وطنخواه با یادآوری عضویت ایران در هیأت رئیسه سازمان جهانی کار تأکید کرد در دوران پساتحریم و حرکت به سوی توسعه اقتصادی و صنعتی قیل از هرچیز ضروری است که شرکای اجتماعی کارگران خود را برای پذیرفتن مقوله نامه‌های بنیادین سازمان جهانی کار که به موضوع آزادی فعالیت‌های صنفی کارگری اشاره دارد، آماده کنند.

وی بابیان اینکه کارگران انتظار ندارند که منابع مالی آزادشده بار دیگر در قالب تجربه پرداخت نقدی یارانه و سهام عدالت به هدر رود، افزود: بدون شک زمانی که جامعه کارگری ایران دستاوردهای عینی اجرای برجام را در زندگی روزمره خود احساس کنند، اهمیت توافق هسته‌ای در نزد آنان دوچندان خواهد شد.



# وقتی حاکمان کشوری ، کودکانه فکر می کنند!!!



## امنیت شغلی کارگران و سیاست خصوصی سازی

### مبارزه در راه تأمین امنیت شغلی جدای از پیکار علیه برنامه‌های اجتماعی - اقتصادی ضد کارگری نیست



در هفته‌های اخیر مخالفت و اعتراض هزاران کارگر صنایع پتروشیمی در نقاط مختلف کشور در صدر خبرها و گزارش‌ها قرار داشته است. کارگران پتروشیمی خواستار تأمین امنیت شغلی خود و پایان دادن به سیاست مخرب خصوصی سازی هستند. این مبارزه در اوضاع کنونی، توجه دقیق به پیامدهای زیانبار خصوصی سازی و رابطه آن با نابودی امنیت شغلی طبقه کارگر را ضرور می‌سازد؛ بویژه آنکه برنامه ششم توسعه با محتوای کاملاً ضد کارگری تدوین و برای اجرا در آینده‌ای نزدیک آماده شده است.

برای جلوگیری از تبدیل شدن رکود اقتصادی به «بحران» و تضمین تداوم حاکمیت خود از طریق پیوند اقتصاد کشور با سرمایه‌داری جهانی، در ماه‌های اخیر دولت تلاش وسیعی برای انعقاد قراردادهای اسارت‌بار با انحصارات امپریالیستی جهت جذب سرمایه خارجی کرده‌اند. بعد از برگزاری گردهمایی

کشورهای صادر کننده گاز در دوم آذرماه و همایش بین‌المللی «رونمایی از مدل جدید قراردادهای نفتی» با حضور ۱۳۷ شرکت خارجی در ۷-۸ آذر ماه، روزهای ۲۲-۲۳ آذر ماه دوازدهمین همایش بین‌المللی پتروشیمی در تهران برگزار شد. روز ۲۱ آذر، معاون مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی به ایرنا گفت، «ظرفیت‌ها و جذابیت‌های سرمایه‌گذاری در صنعت پتروشیمی ایران به حدی است که گاهی از آن به عنوان بهشت آینده صنعت پتروشیمی جهان نام می‌برند.» باید پرسید، چرا از صنعت پتروشیمی ایران به عنوان بهشت آینده پتروشیمی جهان نام می‌برند؟

در بیش از دو دهه اخیر، با چپاول اموال ملی کشورمان تحت عنوان خصوصی سازی و به عنوان یکی از پایه‌های سمتگیری اقتصادی- اجتماعی، دولت کارخانه‌ها و مراکز صنعتی و تولیدی کشور ما را در اختیار سرمایه‌داران قرار داده‌اند. بخش قابل توجهی از کارخانه‌ها و مراکز صنعتی خصوصی (اختصاصی) شده، بخصوص بعد از اجرای «هدفمندی یارانه‌ها»، قانون ضد ملی و دیگته شده از سوی صندوق بین‌المللی پول برای «آزاد سازی» قیمت‌ها، تعطیل و میلیون‌ها کارگر کشورمان بیکار شده‌اند. با تعطیل کارخانه‌ها و ایجاد خیل عظیم کارگران بیکار، «تعدیل ساختاری» و تغییر قانون کار برای آسان‌تر کردن فسخ قراردادهای کار کارگران توسط کارفرمایان، گسترش قراردادهای موقت کار، مرسوم کردن قراردادهای سفید امضاء و «تسویه حساب‌های سفید امضاء»، و حالا با گسترش قراردادهای حجمی کار، کارگزاران جمهوری اسلامی موجب ویرانی امنیت شغلی کارگران گردیده‌اند. در تلاش اخیر خود برای به اسارت کشیدن کارگران با «برنامه ششم توسعه» و با ترفند «تسهیل شرایط ورود کارجویان به بازار کار»، بنا بر گزارش ۲۳ آذر مهر، دولت نظر «تعیین حداقل مزد برای کارگران جدید گروه‌های سنی زیر ۲۹ سال... به میزان ۷۵ درصد حداقل مزد تعیین شده مصوبه شورای عالی کار» تا دو سال و بدون حمایت‌های قانونی را دارد. به عبارت دیگر، در حالیکه در رابطه با هزینه سبد خانوار کارگری، کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران در نامه ۲۱ آذر خود به روحانی می‌نویسد، «در حال حاضر حداقل دستمزد فقط یک پنجم هزینه‌های این سبد را پوشش می‌دهد»، به جای ۷۱۲ هزار تومان حداقل مزد، کارگران و تحصیلکرده‌های زیر ۲۹ سال باید مبلغی برابر «۵۳۴ هزار

تومان” در ماه را دریافت کنند. این است وضعیت معیشت کارگران در نتیجه اصلاح ساختاری، خصوصی سازی و اجرای قانون “هدفمند کردن” یارانه‌ها.

شرایط در صنعت پتروشیمی خصوصی شده نمونه‌ای از فساد و بربریت سرمایه را به نمایش می‌گذارد. در حال حاضر حدود ۷۰ منطقه “آزاد و ویژه اقتصادی” در کشور وجود دارد و بنا بر گزارش ۲۲ آذر ۹۴ ایرنا، مجلس ۸ منطقه آزاد جدید دیگر را تصویب کرد و “ایجاد حدود ۸۰ منطقه ویژه اقتصادی” را نیز بررسی می‌کند. به دنبال خصوصی سازی (به یک شرکت از کشور ترکیه) پتروشیمی رازی ماهشهر در سال ۸۷ و شرایط بسیار وخیم ۱۸۵۰ نفر از کارگران پیمانی در این منطقه “آزاد و ویژه اقتصادی”، در ماه‌های دی و بهمن ۹۲، حدود ۱۰۰۰ نفر از کارگران جمعاعات متعددی در اعتراض به معوقات حقوقی و تبعیض حقوقی بین خود و کارمندان رسمی (چند برابر کمتر) برگزار کردند. به دنبال شکایت کارفرما از کارگران به اتهام «اخلال در نظم، توهین و تهدید»، ۸ کارگر پتروشیمی رازی به دادرسی عمومی انقلاب ماهشهر احضار شدند. روز ۲۴ شهریور ۹۳، شعبه ۱۰۳ دادگاه عمومی (جزایی) بندر ماهشهر، ۴ کارگر پتروشیمی رازی را، کارگرانی که در سال ۹۲ «به عنوان نماینده کارگران در مذاکرات با کارفرما شرکت می‌کردند»، به شش ماه حبس و پنجاه ضربه شلاق محکوم کرد. در چند ماه اعتراضات کارگران پتروشیمی رازی، مدیریت تلاش فراوان به ایجاد شکاف بین کارگران پیمانی و رسمی می‌کرد؛ و بخصوص خبرگزاری ایلنا این عملکرد را منعکس می‌کرد. یکی از شیوه‌های اخیر مبارزه کارگران پیمانی در مناطق “آزاد و ویژه اقتصادی”، مناطقی که بی‌قانونی و شقاوت علیه کارگران در آنها حکمرانی می‌کند و اندک مواد حمایتی باقیمانده در قانون کار مشمول کارگران شاغل در این مناطق نمی‌شود، عدم خوردن نهار در کارخانه‌ها و پتروشیمی‌های این مناطق بوده است. در اعتراض به قطع شدن رابطه استخدامی با وزارت نفت و “وضعیت نا معلوم شغلی و بیمه بازنشستگی”، به مدت چند روز در هفته سوم آذرماه، کارمندان رسمی ۶ واحد پتروشیمی از خوردن وعده غذای محل کارشان خودداری “کردند. روز ۲۳ آذر، ایلنا از تشکیل همزمان “زنجیره نیروی انسانی” حدود ۲۰۰۰ نفر از کارکنان رسمی پتروشیمی‌های هلدینگ خلیج فارس، خوزستان و امیر کبیر گزارش داد. وجهه دیگر خصوصی سازی، چپاول اموال زحمتکشان با ترفند “واگذاری” به بخش

خصوصی است. بنا بر گزارش خبرگزاری مهر، وزیر نفت آقای زنگنه، روز ۱ دی ۹۴ گفت، «به صنعت پتروشیمی چنان ضربه‌ای زده‌اند که آن را متلاشی کنند... در اکثر موارد بیش از ۱۰۰ درصد پول قرارداد را به پیمانکار داده‌ایم، اما آنها پول را گرفتند و خوردند و معلوم نیست که آن را کجا برده‌اند.» کارگران رسمی پتروشیمی به تجربه دریافته‌اند که مبارزه آنها فقط در همبستگی با مبارزه کارگران پیمانی به پیروزی خواهد رسید. همبستگی و مبارزه برای احیای حقوق سندیکایی و تشکیل سندیکاهایی با ماهیت طبقاتی، رمز پیروی کارگران در مبارزه علیه خصوصی سازی و غارت منابع ملی آنها خواهد بود.

## « کارگر قرار دادی »

کارگر قراردادی، به حکم تعریف کلی کارگری است موقت که حداکثر برای یک سال و گاه حتا تا يك ماه خود را مهمان کارگاهی می‌پندارد که باید عمری در آن کار کند در این صورت این نکته بدیهی است که نمی‌تواند به اندیشه‌های بلند در امور صنفی همچون پیروی از تشکلات کارگری و حضور گسترده در آنها یا حتا به تراز دستمزد با هزینه‌های زندگی بیاندیشد.

کارگر قراردادی در نزد کارفرما اجیری است که هر زمان که لازم باشد می‌توان او را با تسویه حساب محکوم و مجازات نمود. از این رو کارگر قراردادی جسارت پرداختن به مسائلی مانند ایمنی و بهداشت خود را ندارد، ناگزیر به بدترین کارها تحت دشوارترین شرایط تن می‌دهد. کارگر قراردادی به هیچ وجه جایگاه حمایتی در مورد استمرار قرارداد خود را ندارد و به هر جا که سر بکشد می‌گویند مدت قرارداد تمام شده است.

**فرشید هکی دبیرکل پیشتازان عدالت و حقوق ایرانیان**

## "منشور جهانی حقوق سندیکایی"

### "مصوب فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری"

آگاهی و آشنایی فعالین کارگری و تمامی سندیکای‌های کارگری با اسناد معتبر جهانی مربوط به حقوق سندیکایی بویژه در اوضاع کنونی میهن ما از اهمیت بسیار جدی برخوردار است. اکنون که به همت فعالین کارگری مبارزه برای احیای حقوق سندیکایی یکی از اولویتهای جنبش سندیکایی موجود زحمتکشان ایران به شمار میاید، شناخت علمی از موضوعات مربوط به سندیکا و حقوق سندیکایی ضرورت دارد. از این رو اتحاد کارگر بولتن ماهیانه کمیته روابط سندیکایی ایران منشور جهانی حقوق سندیکایی مصوب فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری (دبلیو - اف - تی - یو) را به عنوان یکی از اسناد معتبر حقوق سندیکایی باز انتشار داده و در اختیار کارگران، سندیکاهای مستقل و تمامی زحمتکشان فکری و یدی کشور قرار می‌دهد.

### منشور حقوق سندیکایی کارگری

#### ۱ - حقوق کارگران

کارگران حق دارند سندیکاهای کارگری تشکیل دهند، به سندیکاهای موجود بپیوندند و بی آنکه اجازه یا نظارت مقامات دولتی یا کارفرمایان لازم باشد، در هر فعالیات سندیکایی شرکت کنند.

کارگران حق دارند در محل کار خود یا در هر جای دیگر گرد هم آیند، به مذاکره بنشینند و عقاید خود را در خصوص تمام مسائلی که به آنان مربوط است، آزادانه ابراز دارند.

کارگران حق دارند، نشریات مورد نظر خود را بخوانند، نشریه‌های سندیکایی و کارگری را پخش کنند و به تبلیغ برای سندیکاها بپردازند.

کارگران حق دارند در کارخانه‌های دولتی یا خصوصی یا در محل کار دیگر ، در انتخابات نمایندگان کارگران ، نمایندگان سندیکاها و رهبران سازمان‌های سندیکایی که در دفاع از منافع کارگران مسئول خواهند بود ، شرکت کنند . هر کارگری حق دارد به عنوان نماینده انتخاب شود .

کارگران حق دارند با سازمان‌های سندیکایی یا نمایندگان منتخب خود ، هر موضوعی را که به منافع عمومی ، خصوصی و یا شخصی آنان مربوط است ، مطرح کنند.

کارگران حق دارند در دفاع از منافع خود ، در هر عمل مشترک اعم از اعتصاب ، تظاهرات یا دیگر فعالیت‌های سندیکایی شرکت کنند.

کارفرمایان یا مقامات دولتی تحت هیچ شرایطی حق ندارند فعالیت‌های سندیکایی کارگران یا آرا و اعتقادات شخصی آنان را عنوان دستاویزی برای تبعیض در استخدام ، شرایط استخدام و دستمزد به کار گیرند ، یا آن را وسیله اخراج یا اعمال جریمه بکار برند.

## ۲ - آزادی فعالیت سندیکایی کارگری

اعضای سندیکاها ، اساسنامه و آئین نامه‌های مربوط به سندیکاها و چگونگی و حدود فعالیت آن‌ها را باید خود آزادانه تدوین کنند و بدون هیچ گونه محدودیت ، رهبران و مسئولان سندیکاهای خود را برگزینند.

سازمانهای سندیکایی کارگری حق دارند به دور از مزاحمت یا دخالت مقامات دولتی یا کارفرمایان بر اساس اساسنامه و آئین نامه‌های خود عمل کنند.

سازمانهای سندیکایی کارگری حق دارند بدون کسب اجازه از هر مقام دولتی در محل کار خود گرد هم آیند و به برگزاری کنفرانس ، کنگره ، میتینگ و حتی تظاهرات خیابانی اقدام کنند.

کارگران عضو سندیکاهای کارگری حق عضویت خود را مطابق با اساسنامه سندیکاها پرداخت خواهند کرد. از این رو، حق عضویت‌ها به همان شیوه‌ای که اساسنامه معین کرده است، اخذ خواهد شد. پرداخت حق عضویت اختیاری است. موجودی صندوق‌های سندیکاهای کارگری یا دیگر دارائی‌های آن‌ها ضبط ناشدنی است و نحوه اداره آن‌ها یا نظارت بر آن‌ها تنها بر عهده سندیکاهای کارگری خواهد بود.

سندیکاهای کارگری حق دارند از محل ثابتی که مناسب با فعالیت آن‌ها باشد، برخوردار باشند و از مقامات دولتی بخواهند که چنین محلی را در اختیارشان قرار دهند. اداره محل سندیکاها یا اماکنی که به آن‌ها واگذاری می‌شود، حق کارگران است. اما مصونیت این اماکن باید تضمین شود.

سازمانهای سندیکایی کارگری حق دارند به همه نوع آموزش یا فعالیتهای فرهنگی در میان کارگران بپردازند، برای آنان مدرسه، کتابخانه، باشگاه یا هر نوع امکان و دیگر تسهیلات اجتماعی، آموزشی، فرهنگی، تفریحی و ورزشی فراهم آورند و خود آن را اداره کنند.

نمایندگان سندیکاهای کارگری یا نمایندگان کارگران حق دارند در محل کار خود بدون دخالت یا نظارت مقامات دولتی و کارفرمایان مسئولیت‌های خود را پی گیرند و مادام که به فعالیتهای سندیکایی خود مشغولند، نباید مشمول هر نوع جریمه، تنبیه یا توبیخ شوند. مقامات دولتی یا کارفرمایان حق ندارند از ورود نمایندگان سندیکاهای کارگری در انجام وظایف خود به خانه‌های سازمانی جلوگیری کنند.

سندیکاهای کارگری حق دارند بر پایه صنایع و حرف در محل، ناحیه، کشور و حتی در هر منطقه از جهان فدراسیون تشکیل دهند و به ایجاد کنفدراسیونی که در بر گیرنده صنایع، حرف یا تخصص‌های گوناگون باشد اقدام کنند.



### ۳ - حق سندیکاها در نمایندگی کارگران

سندیکاهای کارگری حق دارند از منافع هر کارگری دفاع کنند و هر مسئله‌ای را که به منافع کارگران مربوط است، بررسی کرده و در باره آن اظهار نظر و دخالت کنند.

سندیکاهای کارگران و از جمله سندیکاهای کارگران در واحدهای خدمات عمومی حق دارند با کارفرمایان و مقامات دولتی به مذاکره بپردازند و قرار داد دسته جمعی منعقد کنند.

سندیکاهای کارگری منافع انفرادی و یا دسته جمعی کارگران را در تمام مجامع و امور کارگری، به ویژه در خصوص تعیین دستمزدها، ایمنی کارآموزش حرفه‌ای، استخدام، شرایط استخدامی و اخراج نمایندگی میکنند. مقامات دولتی نباید بین سندیکاهای کارگری در خصوص حق نمایندگی آنها هیچ تبعیضی قائل شوند.

سندیکاهای کارگری حق دارند با بر وظایف نمایندگی خود در تمام مجامع تصمیم‌گیری که به منافع کارگران مربوط است، شرکت کنند و اگر شرایط اقتضا کند که از بین سازمانهای تنها یک سازمان انتخاب شود، چنین حقی به آن سازمان تعلق دارد که بیشترین نمایندگی را در میان کارگران دارا باشد.

سندیکاهای کارگری حق دارند برای دفاع از حقوق کارگران به دادگاهها مراجعه کنند.

سندیکاهای کارگری حق دارند در اداره و تعیین خط‌مشی سازمانهای تأمین اجتماعی یا هر سازمان دیگر که به مسائل اجتماعی مربوط میشود، شرکت کنند. سازمانهای سندیکایی کارگری باید در تمام مسائلی که مستقیم و یا غیر مستقیم به کارگران مربوط میشود، بخصوص در تنظیم قوانین و آیین‌نامه‌ها، طرف مشورت قرار گیرند.

#### ۴- حق اعتصاب

حق اعتصاب یک حق سیاسی کارگران است. هر کارگر، صرفنظر از حرفه‌اش، حق دارد بدون هیچ‌گونه محدودیتی به حربه اعتصاب توسل جوید. کارگران و سازمانهای سندیکایی کارگری حق دارند در دفاع از منافع خود اعتصاب را سازمان دهند یا از آنها حمایت کنند. سازماندهی اعتصاب، شرکت در اعتصاب یا تظاهرات به نشانی همبستگی نباید تحت هیچ عنوانی به دستاویز تنبیه، جریمه یا هر عمل توییحی دیگر در باره کارگران، چه به هنگام اعتصاب و چه بعد یا قبل از آن بدل شود.

#### ۵- فعالیت بین المللی سندیکاهای کارگری

سازمانهای سندیکایی کارگری حق دارند بر اساس انتخاب و خواست آزادانه ابراز شده اعضای خود به سازمانهای بین المللی سندیکایی کارگری بپیوندند.

سازمانهای سندیکایی کارگری حق دارند در فعالیتهای بین المللی سندیکایی شرکت کنند، با کارگران و سندیکاهای کارگری سایر کشورها اعلام همبستگی کنند و حتا گرد هم آیی و کنفرانسهای سندیکایی کارگری بین المللی تشکیل دهند.

سازمانهای سندیکایی کارگری حق دارند با سازمانهای سندیکایی بین المللی کارگری یا خارجی، بدون هیچگونه محدودیتی، نماینده مبادله کنند. از این رو، در هر زمان لازم به نمایندگان آنها گذرنامه و ویزا داده خواهد شد.

سازمانهای سندیکایی بین المللی کارگری حق دارند با سازمانهای کارگری همه کشورها روابط همبستگی برقرار کنند، برای دیگر سازمانهای بین المللی و سندیکایی کارگری علاقمند، در صورت توافق، نماینده یا نشریه بفرستند، به همبستگی و کمک متقابل اقدام کنند و در کشورهای عضو و زی علاقه به برگزاری گرد همایی و کنفرانسهای بین المللی کارگری اقدام کنند

سازمانهای سندیکایی بین المللی حق دارند از سازمانهای سندیکایی کارگری ملی یا محلی حق عضویت دریافت کنند.

\*\*\*\*\*

حقوق مندرج در این منشور تمام کارگران را بدون هیچ گونه تبعیض از نظر حرفه ، تخصص ، سن ، جنس ، نژاد ، ملیت ، زبان ، آرای سیاسی یا اعتقادات مذهبی در بر می گیرد.

## شورای عمومی فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری WFTU

ورشو ۱۴ دسامبر ۱۹۵۴

## بازگشت بردگان به اقتصاد جهانی

«سیری» با اندامی دردناک از خواب برمی‌خیزد. شب قبل او حضور جنسی ۱۸ مرد را در کنار خود تحمل کرده است. او پانزده ساله است ولی جوان‌تر نشان می‌دهد. به همین خاطر متقاضیانش افزون‌ترند. نگاه او سرد و روحش خاموش است و عملاً از چنین ارتباطاتی هیچ چیز عایدش نمی‌شود. حال آن که صاحب فاحشه‌خانه‌ی او را از این رهگذر نصیب و بهره فراوانی است. (تایلند)

«جلال» هفت روز هفته را از صبح سحر تا نیمه‌شب بی‌وقفه روزی ۸۰۰ لیتر آب از چاه بیرون می‌کشد و در شهر پخش می‌کند. او به هنگام بازگشت تمام درآمد حاصله را به ارباب می‌دهد و در عوض کمی برنج می‌گیرد و بسترش تنها زمین گسترده خداست. (موریتانی)

پسربچه‌ای چهار ساله به همراه عده‌ای دیگر روزانه ۱۲ ساعت ترقه‌های آتش‌بازی لای کاغذ می‌پیچد و وقتی حوادث و غبار ناشی از شلیک ترقه‌ها سرانگشتانش را می‌سوزانند، زخمش را با یک تکه زغال افروخته یا یک سیگار روشن درمان می‌کند و او بالاجبار کار خود را از سر می‌گیرد. (هند)

«رونالدو» به همراه همکاران لاغر اندامش مراقب آتشبار کوره است تا بتوانند در جهنم سوزانی که در حول و حوش آن هیچ‌گونه سرپناهی نیست زغال درست کنند. چرا که جنگل‌ها تماماً ویران شده‌اند و مأموران مسلح همپیوسته آنها را زیر نظر دارند. او پولی که در نمی‌آورد هیچ بلکه در عوض بابت قرض و قوله‌هایی که هیچ وقت هم سیر نزولی پیدا نمی‌کنند چیزی هم می‌پردازد و تازه در صورت بیماری، قرنطینه و سپس اخراج هم می‌شود. (ماتو گروسو، برزیل)

«صبا» که اصالتن اهل مالی است، پس از سال‌ها عزلت و گوشه‌نشینی در خانه‌ی زیبایی که در آن مستخدمه‌ی تمام وقت بوده از آنجا می‌گریزد. در آن جا زن و شوهر صاحب‌خانه او را با کابل برق کتک می‌زدند و روی جراحات خون‌بار و پوست او را هم فلفل قرمز می‌مالیده‌اند. (پاریس، فرانسه)

اما این کابوس‌های شبانه و این شکنجه‌های دوردست از کدام تاریخ سر بر آورده‌اند؟

و این چنین عفریتگان و جاودان بد سرشت با چنین اعمال وحشیانه‌ای مربوط به کدام افسانه‌ی دهشت‌زای دورانند؟ نه، این نه رویاست و نه افسانه، این واقعیت امروزه‌ی ماست که هر روز هم بدتر از دیروز می‌شود و مسئول این امر هم تنها واژه زیبای «جهانی شدن» است با آن معنای تلخ‌اش. معنایی که به هیچ وجه نمی‌توان خود را در برابر آن به تغافل زد، چرا که عملاً با آن درگیر است.

آری بردگی نه تنها هنوز هم موجود است بلکه به صورت یک تجارت عام هم درآمده. «کوین بالز» هم مثل بقیه مردم تا همین چند سال پیش چیزی درباره آن نمی‌دانست یا بدان باور نداشت اما با نشانه‌هایی مواجه شد که وجدانش او را بر حذر می‌داشت از این که خود را در برابر آنها به بی‌خبری بزند. او به عنوان یک محقق جامعه‌شناس شروع کرد به بازرسی هزاران مؤسسه و بیش از همه به بازدید اشخاص مختلف در کشورهای مورد سوءظن پرداخت و در مواردی نادر حتماً مجبور شد تا زندگی خود را به مخاطره بیندازد. کسی چه می‌داند که تا کنون چند تن از سردمداران قانون الغاء بردگی فقط در برزیل جان باخته‌اند؟

تقریباً همه ما از دوران تحصیل خود در مدرسه یک تاریخ را در حافظه داریم که مصادف است با لغو برده‌داری در آمریکا و پیروزی مدنیت بر توحش. یعنی سال ۱۸۶۵. آری، آن‌گونه بردگی تقریباً در همه جا پایان پذیرفته و

«بالز» در مطلب شجاعانه و مستند خویش بر این نکته صحه می‌گذارد که بردگی جدید در نتیجه تجارت انسان در اقتصاد جهانی است که حاصل می‌آید که البته نوعی بردگی مدرن محسوب می‌شود و احتمالاً بسیار بدتر از آن یک. زیرا در همه جا غیر قانونی بوده، هیچ گونه حق مالکیتی در آن دخالت ندارد و البته منجر به آزار و اذیت انسان‌ها تا مرحله قتل و جنایت نیز می‌شود.

ولی برده‌ی امروز مثل برده دیروزین، یک سرمایه نیست که کم خرج و ارزان قیمت باشد. چرا که همواره می‌باید بهایی گران‌تر برای تصاحب آن پرداخت. او امروزه در حکم یک ماده مصرفی است.

مردم از او بهره می‌جویند و سپس دورش می‌اندازند. بی‌آنکه کوچکترین نظر لطفی نسبت به او داشته باشند و این واژه‌ی دور انداختن به معنی آن است که چنین بردگانی رو به انحطاط و اضمحلال می‌روند.

نمیدانم پس از مرگم چه خواهد شد؟

نمیخواهم بدانم کوزه گر از خاک اندامم چه خواهد ساخت؟

ولی بسیار مشتاقم که از خاک گلویم سوتکی سازد.

گلویم سوتکی باشد به دست کودکی گستاخ و بازیگوش-

و او یک ریز و پی در پی،

دم گرم خوشش را بر گلویم سخت بفشارد،

و خواب خفتگان خانه را آشفته تر سازد.

بدین سان بشکند در من ، سکوت مرگبارم را.

## وقتی ارزش همه چیز با پول سنجیده شود!

داستان دردناک مرگ یک زن کارگر و گروگانگیری جسد وی بدلیل عدم پرداخت هزینه‌های بیمارستان در مشهد

نصراله پژمان‌فر نماینده مجلس از مشهد در خصوص تذکر خود در مجلس به وزیر بهداشت دولت روحانی با اشاره به نگهداشتن جسدی در بیمارستان در مشهد به دلیل تسویه نشدن هزینه‌ها گفت: «این موضوع مربوط به خانمی است که به دلیل مشکلات مالی در یک کوره پزخانه در منطقه‌ای در اطراف مشهد کار می‌کرده و در همان محل نیز به تنهایی زندگی می‌کرده است.

وقتی حال این خانم به هم می‌خورد، افرادی که در آنجا بوده‌اند؛ اورژانس را خبر می‌کنند و این فرد را به بیمارستان امدادی در مشهد می‌برند که معمولاً برای موارد اورژانسی به آنجا مراجعه می‌شود، ولی این بیمارستان از پذیرش وی خودداری می‌کند و می‌گوید؛ بیمار حالش بسیار نامساعد است و باید به بیمارستان دیگری برود. طبق تصمیم مسوولان اورژانس به هر دلیلی فرد به بیمارستان خیریه‌ای در مشهد که تحت مدیریت دانشگاه آزاد است؛ برده می‌شود و در آنجا بستری می‌شود.

در روزهای بعد تلفنی از دختر بیمار به دست می‌آید و طی تماس و گفتگویی که مسوولان بیمارستان با این فرد برقرار می‌کنند، وی به بیمارستان می‌رود و اعلام می‌کند که هم خودش و هم مادرش همانطور که متصدیان بیمارستان در روز اول در دفتر چه بیمه درمانی وی دیده‌اند، تحت پوشش بیمه امداد هستند.

پژمان‌فر ادامه داد: دختر بیمار که مادرش را در بخش ای سی یو می‌بیند که هنوز در کما است از مسوولان بیمارستان تقاضا می‌کند که مادرش را به بیمارستان دولتی دیگری انتقال دهند، ولی پزشکان بیمارستان با این انتقال موافقت نمی‌کنند و اعلام می‌کنند؛ حال بیمار نامساعد است و در صورت جدا

کردن دستگاه‌ها از وی امکان فوت او وجود دارد و بنابراین وی را تا ۲۸ روز در بیمارستان نگه می‌دارند. وی با بیان اینکه بعد از ۲۸ روز که بیمار در ای سی یو بوده؛ دختر بیمار مراجعه می‌کند و مجدداً تقاضا می‌کند که مادرش را به بیمارستان دولتی منتقل کنند، گفت: مسولان بیمارستان در جواب این فرد اعلام می‌کنند که باید ۲۸ میلیون تومان هزینه بیمارستان را پرداخت کنید تا این فرد را مرخص کنیم.

وی افزود: این فرد بعد از این اعلام این موضوع برای تهیه پول و نامه گرفتن از استانداری و نماینده مجلس و غیره اقدام می‌کند و تقریباً این فعالیت‌ها حدود ۱۵ روز طول می‌کشد و این در حالی بوده است که هزینه‌های بیمارستان در این مدت کنترل می‌انداخته است. در نهایت وقتی این فرد با کمک خیریه‌ها ۱۸ میلیون پول تهیه کرده بوده به بیمارستان می‌رود، متوجه می‌شود یک هفته است؛ مادرش فوت کرده بوده و مسولان بیمارستان می‌گویند که جسد را نمی‌دهیم تا حدود ۴۰ میلیون تومان هزینه‌های بیمارستان را طی این مدت پرداخت کنید.

وی ادامه داد: در حال حاضر ۱۸ میلیون از حدود ۴۰ میلیون تومان هزینه‌های بیمارستان پرداخت شده، ولی علی‌رغم این مسایل نامه رییس بیمارستان و امضای وی وجود دارد که دستور داده تا مابقی هزینه‌ها پرداخت نشود یا سندی برای ضمانت پرداخت هزینه‌ها گرو گذاشته نشود؛ جسد را به خانواده‌اش تحویل ندهند این در حالی‌ست که خانواده متوفی بسیار نگران آبروی خود است و تقاضای تحویل جنازه را کرده‌اند.

وی با بیان اینکه سوال ما این است که متولی درمان در این کشور چه نهادی است و آیا وزارت بهداشت در مورد این مساله مسول نیست؟ گفت: آیا یک بیمارستان می‌تواند هر کاری بکند و مجاز است؛ جنازه را یک هفته نگه دارد و با آبروی مردم بازی کند.



وی در پایان خاطرنشان کرد: هنوز هم جنازه متوفی به خانواده‌اش تحویل داده نشده است و علیرغم پیگیری که ما از طریق یکی از مسوولان دانشگاه علوم پزشکی مشهد کرده‌ایم، بیمارستان اعلام کرده است که ما حاضر به همکاری نیستیم.



**اصل ۲۹ قانون اساسی:** برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی ، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث، و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت های پزشکی بصورت بیمه و غیره حقی است همگانی.

دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تامین کند.

## پنج سوال از استفان هاوکینگ دانشمند، فیزیکدان و نظریه پرداز انفجار بزرگ.

جوابهای استفن هاوکینگ به سوال های خوانندگان مجله ی تایم (بعد از انتشار کتاب "طرح بزرگ)

س- اگر خدا وجود ندارد پس چرا باور به وجود او تقریباً جهانگیر است؟

ج- من ادعا نمی کنم که خدا وجود ندارد. خدا نامی است که مردم برای دلیل وجود ما در اینجا گذاشته اند. اما من فکر می کنم این دلیل بیشترقوانین فیزیک است نه این که یک نفر وجود داشته باشد که بتوان با او ارتباطی شخصی برقرارکرد.

س- آیا کیهان پایانی هم دارد؟ در این صورت آنسوتر از آن پایان چیست؟

ج- مشاهدات نشانگر این است که کیهان با سرعت روزافزونی در حال گسترش است. این گسترش تا ابد ادامه خواهد داشت و کیهان خالی تر و تاریک تر خواهد شد. گرچه کیهان پایانی ندارد اما در بیگ بنگ آغازی داشته است. ممکن است کسی بپرسد قبل از آن چه بوده؟ پاسخ این است که هیچ. همانگونه که جنوبی تر از قطب جنوب جایی وجود ندارد، قبل از مه بانگ نیز جایی وجود نداشته.

س- فکر می کنید تمدن بشر آنقدر باقی خواهد ماند تا جهش به عمق فضا امکان پذیر شود؟

ج- فکر می کنم شانس خوبی داریم بقایمان آنقدر ادامه داشته باشد که منظومه شمسی را به زیر یوغ خود بکشیم. اما در منظومه شمسی هیچ جایی مناسب تر از زمین (برای زیست انسان) وجود ندارد، بنابراین این روشن نیست که اگر زمین را تخریب کنیم بتوانیم بقایی داشته باشیم. برای بقای خود در دراز

مدت باید به ستارگان دست یابیم که زمانی دراز تر خواهد خواست. بگذارید امیدوار باشیم که تا زمانی چنین دراز بقاءیمان ادامه خواهد داشت.

**س- اگر می توانستی با آبرت اینشتین حرف بزنی به او چه می گفتی؟**

ج- از او می پرسیدم چرا به (وجود) سیاه چاله ها باور نداشتی؟ معادله میدانی تئوری نسبیت او حاکی از این است که یک ستاره بزرگ یا ابری از گاز بر خود فرومی ریزد و یک سیاه چاله تشکیل می دهد. اینشتین از این امر آگاه بود اما به نوعی خود را متقاعد می کرد که همیشه چیزی مثل یک انفجار توده را از هم می پاشد و مانع ایجاد سیاهچاله می شود. اما اگر انفجاری اتفاق نیفتاد چه؟

**س- چه کشف یا پیشرفت علمی را دوست دارید در زمان حیات خود شاهد باشید؟**

ج- دلم می خواهد گداخت هسته ای یک منبع عملی تولید انرژی شود. در اینصورت از یک منبع بی پایان انرژی بدون آلودگی محیط زیست و بدون گرمایش جهانی برخوردار خواهیم بود.

**س- به باور شما بعد از مرگ چه بر سر آگاهی ما می آید؟**

ج- من فکر می کنم مغز اساساً یک کامپیوتر است و آگاهی مثل یک نرم افزار کامپیوتریست. (بنابراین) وقتی کامپیوتر خاموش شود نرم افزار کار نخواهد کرد. تئوری وار می توان گفت که این نرم افزار در یک شبکه بیرنگ (نوترال) بازآفرین خواهد شد. اما این بسیار مشکل خواهد بود زیرا نیاز به تمام خاطرات یک فرد خواهد داشت.

**س- با توجه به شهرت شما به عنوان یک فیزیکدان درخشان، چه علائق معمولی ای دارید که ممکن است باعث تعجب مردم شود؟**

ج- من از همه جور موسیقی، از پاپ گرفته تا کلاسیک و اپرا لذت می برم. همچنین به مسابقات (اتومبیلرانی) فرمول یک (فورمیولا وان) همراه با پسر من "تیم" علاقمندم.

**س- آیا ناتوانی جسمی شما مانعی درمقابل پژوهش هایتان بوده یا به آن کمک کرده است؟**

ج- اگرچه در ابتلا به بیماری موتور نوروں بسیار شوربخت بوده ام اما تقریباً در همه ی جنبه های دیگر بسیار خوش بخت بوده ام. خوش شانسی من این است که زمینه کاری من در فیزیک تئوریک است که ناتوانی جسمی اثر آنچنانی در آن ندارد و بخت دیگر من آن است که کتاب هایم در جهان این چنین پرترفدار است.

**س- آیا از این که مردم انتظار دارند شما جواب تمام رمزهای (هستی) را بدانید احساس مسئولیتی بزرگ نمی کنید؟**

ج- مطمئناً من جواب تمام مشکلات زندگی را نمیدانم. گرچه فیزیک و ریاضیات ممکن است به ما بگویند کیهان چگونه آغاز شد اما در پیش بینی رفتار انسانی کمک زیادی از دست آنان ساخته نیست زیرا در این جا تعداد معادلات چند مجهولی برای حل کردن بیشمار است. من در پیش بینی این که چه چیزی باعث میشود مردم، بویژه زنان، واکنش عصبی نشان دهند، نسبت به دیگران هیچ برتری ای ندارم.

**س- آیا فکر می کنید زمانی خواهد رسید که مردم هر آنچه را که در حیطه فیزیک است بفهمند؟**

ج- امیدوارم چنین زمانی نرسد زیرا من بیکار خواهم شد

## راه چاره کارگران چیست؟

راه گریز از وضعیت خانمان براندازی که کارگران را نومید، خسته و افسرده می نماید چیست؟! اگر کارگران نباشند تولید و ساخت و سازی صورت نمی گیرد... اگر کارگر نباشد رفاه و آسایشی برای سرزمینمان نیست... طبق گفته لیو تولستوی: کارگر خانه می سازد ولی از خود خانه ای ندارد... چه عواملی باعث شده است که کارگران و صنعتگران سرزمینمان، سرخورده و سرگردان شوند و برای لقمه ای نان، علاوه بر سختی و رنج کار و دوری از خانه بایستی اضطراب، ترس و ناامنی و ناامید شدن از فردایی تلخ و ناکام، وجود آشفته آنها در گرداب بیچارگی دهن شود؟!..... کارگران سرزمینمان طبق نظریه های شرطی سازی روان شناسی، دچار درماندگی آموخته شده هستند و راه نجاتی برای خویش نمی بینند و غرق در سکوت به جان آمده خویش، این ناامنی و ترس را به تمام زندگانی خود تعمیم داده اند... آیا صنعتگری که از ستم وارد شده برای حقوق کارگری اش ناتوان است چگونه می تواند به فرزندانش درس جسارت و عزت نفس بدهد؟! چگونه می تواند در جامعه خویش سرش را بلند نماید و به زندگی پر از نشاط لبخند بزند؟! چگونه می خواهد جامعه خویش را در کنار خلاقیت های دوباره اش سامان دهد؟! چگونه می تواند عشق و نعدوستی را با کار زیبا، قشنگ و هنرمندانه خویش به جامعه انسانی پیشکش نماید؟!... عرق کارگر و هنر زیبای صنعتگران آبروی تمام بزرگواران این میهن است... بهتر است به حقوق کارگران ارج داده شود و توانمندی این مهربانان دیار شادمانی به عشق و مهرورزی جلا داده شود.... همانطور که در سرزمین ما به وضعیت رفاهی، بهداشتی و حقوقی کارگران بها داده نمی شود و هر روزه شاهد اعتصابات نگران کننده از سوی آنان نسبت به ضایع شدن حقوق آنها و ستم کارفرمایان در حق آنها می باشیم و شرم آورتر اینکه سازمان امنیت کشور یعنی قوه قضاییه دستور بازداشت و پیگیری اعتصاب کنندگان را بخاطر پیگیری مطالباتشان صادر می نماید و

آنها را اخراج و بلک لیست می نماید بر همه کارگران لازم است برای سربلندی و رسیدن به حقوق قانونی خود با سازمانهای سندیکایی و فعالین کارگری که بصورت خودجوش هستند همگام بوده و در همایشهایی که از طرف سندیکای کارگران در شهرهای صنعتی کشور انجام می شود مشارکت و فعالیت داشته باشند؛ چرا که فقط یک کارگر درد کارگران را می فهمد و بایستی خودمان برای درست شدن شرایط کارگريمان آستینها را بالا بزنیم و اعتراض خود را نسبت به سیستم خانمان برانداز پیمانکاری و سرمایه داری مدرن اعلام نماییم... این را بدانید که برای پیگیری مزایا، حقوق، وضعیت رفاهی و بهداشتی کارگران نبایستی از دستگاه قضا و حاکمیت انتظار خاصی داشته باشیم .. با سپاااااااس.

## وارتان کارگر پروژه ای پارس جنوبی





## گلريزان برای نجات انسانی های زحمتکش و فداکار در راه محیط زیست و حیات وحش.

دو محیط بان ۸ و ۴ سال است که زیر تیغ قصاص قرار دارند. جرم آنان دفاع از محیط زیست و جلوگیری از شکار غیرقانونی است، که حفاظت از محیط زیست همچنان دغدغه همه دوستداران طبیعت باقی بماند. در یک اقدام فرهنگی کوهنوردان و کار گروههای زیست محیطی گلریزانی را ترتیب داده اند تا با جمع آوری کمک های انسان دوستانه و زیست محیطی، این دو محیط بان فداکار و عاشق طبیعت را از قصاص نجات بدهند.

۹ اسفند- خ طالقانی - اتاق بازرگانی ایران - نرسیده به سفارت آمریکا -  
طبقه ۱۰ ساعت ۵ تا ۸ شب.

بیاییم، تا ثابت کنیم هنوز عشق هست و آرمان طبیعت و انسان دوستی زنده است

### گروه کوهنوردان فلزکار



## به مناسبت روز جهانی زن

بیش از یکصد و چهل سال از آن هشتم مارس (هجدهم اسفند) میگذرد که زنان کارگر در صنعت نساجی نیویورک در اعتراض به دستمزد اندک و شرایط نامطلوب شغلیشان اقدام به برپایی تظاهرات اعتراضی کردند که البته با برخورد خشونت آمیز پلیس آمریکا مواجه شد... از آن زمان هر هشتم مارس، رنگ و بوی مطالبات زنان معترض را به خود گرفت که دست کم، اندیشیدن زنان به حقوق صنفی و اجتماعی‌شان را به دنبال داشته است؛ حقوقی که درخواستش همانند هر جنبش مترقی دیگر، همواره با واکنشهای غیرانسانی همراه بوده و سودجویانی که از دستیابی این قشر از جامعه به رفاه و حقوق خود هراس داشته اند، هربار به نوعی به سرکوب آنان پرداخته اند.

این یکصد و چهل سال که از آغاز جنبش هشتم مارس میگذرد، بیش از هرچیز به ما یادآوری کرده که هر فریاد دادخواهی ابتدا با سرکوب زورمندان مواجه خواهد شد اما با مقاومت، امید به رهایی، تداوم اتحاد و آگاه سازی



جامعه از آنچه که بر آنان رفته، موجی خلق میشود که هیچ مستبدي نتواند بر خواسته های برحق معترضین فائق آید .

گرچه بعد از آغازِ نمادِ حق طلبی های زنانِ کارگر در دنیای صنعتی، همچنان محدودیتهای بیشمار، زنانِ جوامعِ گوناگون را رنجه ساخته اما اعتراضاتشان هربار محدودیتها و محدودکنندگان را به عقب رانده و راه را برای رسیدن به مقصد هموار ساخته است. همان گونه که «مهری گیلک پور» (کارگر کارخانه چیت سازی ری) در سال ۱۳۲۹ خورشیدی به عنوان نماینده کارگران زن موفق شد کارفرما را مجاب سازد که در محیط کار، فضایی را برای شیردادن به کودکان اختصاص دهد. این حقوق برای نخستین بار در تاریخ جنبش کارگری و سندیکایی گرفته شد و البته پس از کودتای ۲۸ مرداد لغو گردید اما با تداوم اعتراضات، حکومت کارگرکشِ پهلوی مجبور به بازپس دادنِ این حق به زنانِ کارگرِ ایران شد.

خواسته های برابر حقوقی زنان با مردان توقف نا پذیر است. زمانی که حسن روحانی در سفر استانی به هرمزگان برای سخنرانی در جمع مردم حاضر شده بود، دانش آموزان دختر که از تبعیض جنسیتی به ستوه آمده بودند، در حین صحبتهای رئیس جمهور، در آرزوی برابری زن با مرد، به طور مسالمت آمیز دست به اعتراض زدند ...

ضمن تبریکِ روز جهانی زن به دختران دانش آموز هرمزگانی و همه زنان و مردان که با کسب آگاهی برای رفع تبعیض جنسیتی و اجتماعی و نمایاندن رشد اجتماعی زنان میکوشند، ابراز امیدواری میکنیم که آن دسته از مجریان قانون که از عدالت و اعتدال سخن میگویند، یکصد و چهل سال پس از سرکوب اعتراضاتِ زنانِ نساجِ آمریکا، بیاموزند که مسئولیتشان پاسخ به مطالبات توده مردم است و نه سرکوب معترضین!

## ۸ مارس روز جهانی زن خجسته باد !

۸ مارس برابر با ۱۷ اسفند یادآور زندگی سراسر تلاش، زنان همدوش مردان برای ساختن جامعه ای انسانی و بدون تبعیض و جنگ است. سندیکاهای کارگری برای روز جهانی زن احترام ویژه ای قایل هستند.

ما زنان در سراسر جهان در همه لحظات زندگی پر مخاطره، در کنار همسران زحمتکش امان، ستم دیده و برای رهایی از دیکتاتوری و سیستم سرمایه داری رزمیده ایم.

زن زحمتکش اولین کسی است که سفره بی نان خانواده اش را می بیند و رنج می کشد. اوست که باید با دستمزد ناچیزی که به خانه آورده شده، خانواده ای را سیر کند و بالیدن بی رمق فرزندان رادر هیکل نحیف اشان نظاره گر باشد.

ما زنان نه تنها در کنار همسران اعتصابی، حقوق عقب افتاده، و اخراجی و دربندمان چون کوه می ایستیم، بلکه همواره به همسران خود نوید روزهای خوش و پیروزی را نیز می دهیم. هر چند که در سیستم نابرابر کنونی دستیابی به پیروزی بسیار دشوار است، اما **حتمی است**.

آنچه ما را وا می دارد چه در معادن بافق، پتروشیمی ها، مرکز نفتی، اتوبوسرانی، کارخانه های خودروسازی، داروسازی، بیمارستان ها، مدارس ... در کنار همسر و برادران زحمتکشان ایستادگی کنیم، مبارزه برای ساختن جامعه ای انسانی برای فرزندانمان است.

تبعیض و خشونت علیه زنان ابزاری برای سلطه هرچه بیشتر سیستم سرمایه داری است، که همه زنان با آن مخالفند.

۸ مارس، روز فرخنده ای است برای کسانی که در این روز به جنبش زنان می پیوندند تا همدوش دیگر گردان های اجتماعی، نابرابری را شکست دهند.

۸ مارس روز یادگیری از زنان خانواده های کارگری ، بزرگترین اقتصاددانان جامعه بشری است، که با اندک دستمزد همسرانشان سفره ای نه در خور حقوق اجتماعی خود، بلکه سفره ای عاشقانه را برای همسر و فرزندانشان تدارک می بینند.

روز جهانی زن تنها یک روز برای گرامی داشت کوشش های زنان نیست. روزی است که باید برای محو همه اشکال ستم های که بر زنان و جامعه روا داشته می شود، سازماندهی و برنامه ریزی کرد.

ما این روز را به زنان خانه دار، زنان سرپرست خانوار، زنان کارگر کارخانه های تولیدی، زنان کارمند، آموزگاران شب شکن، پرستاران، زنان نویسندگان و هنرمندان، دختران فروشنده، دختران قالیباف، دختران خردسال فال فروش و گل فروش داخل مترو و خیابان ها، زنان دانشمندان، زنان کارتن خواب و زنان و دخترانی که به دلیل فقر تن فروشی می کنند و همه کسانی که برای بهبودی وضعیت زنان و جامعه ای بهتر لحظه ای کوشیده اند و در این راه مرگ را پذیرا گشته اند ، تبریک گفته و پیمان ببندیم که برای فردایی بهتر برای زنان و مردان جامعه امان بکوشیم.

بیا بید دست در دست هم برای تغییر این شرایط غیر انسانی مبارزه کنیم.

برابری، آزادی، عدالت، همبستگی، و صلح شعار همیشگی جنبش زنان بوده و هست. بدون زنان هیچ جنبش فراگیر اجتماعی نمی تواند وجود داشته باشد. این اعتقاد ماست و برای آن می کوشیم.

## سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

اسفند ۱۳۹۴

## در پیشگاه تاریخ و مردم سربلندم



این عکس متعلق به خانم "دیلما روسف" رییس جمهوری فعلی برزیل است که حدود ۴۰ سال پیش در سن ۲۲ سالگی در دادگاه نظامی ریودوژانیرو در حال محاکمه است. خانم روسف در این دادگاه علی رغم قریب به ۳ هفته شکنجه نام هیچ کدام از همزمانش را لو نداد.

در مقابل قضات نظامی دادگاه که از ترس انتشار چهره شان در رسانه ها با دست صورت خود را پوشانده اند، او با سرفرازی نشسته است.

وی در جوانی عضو یک گروه چپ افراطی موسوم به «کوماندوی آزادی بخش ملی» بود که علیه دیکتاتوری نظامی در برزیل مبارزه می کرد، در سال ۱۹۷۰ توسط پلیس مخفی برزیل دستگیر شد.

"دیلما روسف" ۶۲ ساله نخستین زنی است که در برزیل، بزرگترین کشور آمریکای جنوبی، به سمت ریاست جمهوری رسیده است. در سال ۲۰۱۳ از سوی مجله فوربس بعد از آنگلا مرکل به عنوان دومین زن قدرتمند جهان شناخته شد.



## زنی است که تسلیم نشد و با این ایستادگی به تاریخ مسیری متفاوت بخشید!



رزا پارکس از فعالان جنبش حقوق مدنی آمریکا بود که بعداً توسط کنگره آمریکا به عنوان «مادر جنبش آزادی» و «بانوی اول جنبش حقوق مدنی» شناخته شد.

از واگذاری صندلی اتوبوسش به مردی سفیدپوست خودداری کرد. حرکتی که تحریم اتوبوس‌های مونتگمری ایالت آلاباما را در پی داشت و یک سال بعد دادگاه جداسازی اتوبوس‌ها را کاملاً ناموجه و غیرقانونی اعلام کرد. در آن روز رزا پارکس زنی ۴۲ ساله بود که از محل کار بازمی‌گشت و پیش از آن با راننده اتوبوس درگیری لفظی پیدا کرده بود.

رد درخواست راننده برای واگذاری صندلی به بازداشت و جریمه وی منجر شد. اما این حرکت اعتراضات گسترده‌ای را دامن زد، به طوری که تحریم گسترده شبکه ترابری همگانی توسط سیاه‌پوستان برای مبارزه با جداسازی نژادی به رهبری مارتین لوترکینگ جوان رقم خورد و یک سال به طول انجامید.

رزا پارکس در خانواده‌ای فرهنگی به دنیا آمده بود که اهمیت فراوانی به تحصیل و آموزش می‌دادند. همین موضوع سبب تقویت روحیه مبارزه‌طلبی و حق‌جویی در او شده بود. او در اول دسامبر از محل کارش در فروشگاه مونتگمری بازمی‌گشت که به شکلی اتفاقی سوار اتوبوسی می‌شود که سال‌ها پیش با راننده آن درگیر شده بود. مسافری سفیدپوست چند ایستگاه بعد سوار اتوبوس می‌شود و راننده از رزا می‌خواهد که جایش را به مرد سفیدپوست بدهد. اما رزا از روی صندلی بلند نمی‌شود. همه مسافران پیاده می‌شوند و در نهایت رزا دستگیر می‌شود. رزا در آن سال به برداشت منفعلانه از حرکتش برای واگذار نکردن صندلی به مرد سفیدپوست اعتراض کرد.

چرا که برخی اعتقاد داشتند زن مسن خسته‌تر از آن بود که صندلی‌اش را واگذار کند. رزا در پاسخ به این سخن‌ها می‌گوید: «مردم همیشه می‌گویند که من صندلی‌ام را به این خاطر نبخشیدم که خسته بودم. اما این درست نیست. جسماً خسته نبودم و وضعیتی شبیه روزهای دیگر در پایان یک روز پرمشغله داشتم... نه، واقعیت این است که من از تسلیم شدن خسته بودم!» رزا با وجود برخوردهای بعد از آن و از دست دادن شغلش به فعالیتش برای احقاق حقوق سیاه‌پوستان ادامه داد و در سال ۱۹۸۷ بنیاد «رزا و ریموند پارکس» را با همراهی همسرش به راه انداخت. مدال طلای کنگره به خاطر اقدام شجاعانه رزا که تاریخ مبارزات مدنی امریکا را تغییر داد در سال ۱۹۹۹ به وی اعطا شد. مدالی که پیش از آن مادر ترزا، توماس ادیسون و جورج واشنگتن کسب کرده بودند. او بعدها لقب «مادر جنبش آزادی» را دریافت کرد.

## نترس‌ترین دختر ایران که از یخ‌ها بالا می‌رود



عادت ندارد پایش را روی زمین سفت بگذارد. مدام در حال صعود و بالا رفتن است. زهره عبدالله‌خانی، دختر ۳۱ ساله ایرانی از همان اول کودکی به همراه پدر و مادرش کوه‌پیمایی را به‌صورت تفریحی شروع کرد. همه چیز عادی ادامه داشت تا اینکه در ۱۸ سالگی تصمیم می‌گیرد به‌صورت حرفه‌ای ورزش کند.

عبدالله‌خانی ۸۲ سالگی علی‌رغم میل مربی‌اش، صخره‌نوردی را شروع می‌کند و دو سال بعد رقبایش را کنار می‌زند و اولین مدال کشوری‌اش را دور گردن می‌اندازد. زهره از سال ۸۹ مسیرش را به سمت سرما تغییر می‌دهد و به دختر یخی ایران معروف می‌شود.



روند موفقیت اش اکیداً صعودی است و در مسابقات آسیایی یخ نوردی شرکت می‌کند و نایب‌قهرمان آسیا می‌شود و حتی به المپیک زمستانی سوچی هم دعوت می‌شود و به همراه مسعود زینالی الهام‌بخش یخ نوردی المپیک نام می‌گیرند. زهره علاوه بر ورزش در تحصیل هم حسابی موفق است و دانشجوی نمونه کشوری در رشته هوانوردی است.

## جنبش های مدنی موفق در سراسر جهان را بشناسیم

**مارتین لوتر کینگ؛** مبارزه برای حقوق برابر نژادی در آمریکا

**انجلا دیویس؛** مبارزه برای حقوق زنان سیاه در آمریکا آنجلا دیویس

**سزار چاوز؛** مبارزه برای حقوق کارگران کشاورز اعتصاب و بایکوت انگور  
دلینو مبارزه ای از زیربنا

**نلسون ماندلا؛** جنبش ضد نژاد پرستی در آفریقای جنوبی

**پیمان ضد مین؛** مبارزه بین‌المللی برای ممنوعیت استفاده از مین‌های ضد نفر

**مادر ترزا،** جنبش ضد گرسنگی

**مادر جونز؛** جنبش حمایت از اعتصاب اتحادیه های کارگری آمریکا

**وانکاری موتا مائانی،** مادر درختان آفریقا جنبش کمر بند سبز

**ریتا پورسلینو؛** جنبش آدیوپیزو بازازپس‌گیری سیسیل از مافیا

**مهاتما گاندی؛** جنبش مدنی ضد خشونت برای استقلال هند از انگلیس

**محمد مصدق** جنبش ملی کردن صنعت نفت ایران از چنگال انگلیس

## زنان جایگاه شایسته خود را در جامعه خواهند یافت!

هرگاه امکان برابر، برای فعالیت در جامعه فراهم شود، بی تردید مشارکت زنان را در بر خواهد داشت. در سازماندهی کارگری که در جامعه دمکراتیک کوبانی فراهم شد، زنان با مشارکت در فعالیت های اجتماعی، بازهم ثابت کردند که در هیچ فعالیت اجتماعی از مردان کمتر نیستند و هرگاه که امکان بروز استعداد ها و هوش و ابتکار خود را داشته باشند به بالاترین رده های مدیریتی جامعه خواهند رسید. شوربختانه تبلیغات رسانه های خبری امپریالیستی از این زنان هیچ نمی گویند و روند رسیدن به چنین مرحله ای را هم بیان نخواهند کرد. البته در جوامع سرمایه داری هم زنانی هستند که می توانند با فعالیت های خود این امکان را برای خود فراهم کنند و در فعالیت های اجتماعی رشد کرده و به مدیریتهای کلان دست یابند. دیلما روسف، ایندیپرا گاندی از جمله این زنان هستند.

آنچه در رسانه های سرمایه داری از زنان به نمایش می گذارند، زنانی زیبا و عشوه گر و جذاب است که فقط کارشان دلبری و محسور کردن چشمان است. هیچگاه از زن مبارز و سیاهپوست آمریکایی آنجلا دیویس، دلورس ایباوری زن کارگر معدن اسپانیا و از اعضای رهبری حزب کارگری اسپانیا، والننتینا ترواشکوا زن بافنده روسی و اولین زن فضانورد، محبوبه متحدین اولین زن مبارزی که سینه پُر شورش در میدان تیر توسط مزدوران عاری از مهر مشبک شد، از مهری گیلک پور کارگر کارخانه چیت سازی ری و نماینده کارگران در سال ۱۳۲۹ که برای زنان باردار و بچه دار اتاقی را از کارفرما گرفت و به کودکان شیر خوار اختصاص داد و برای اولین بار حق داشتن شیرخوراگاه را برای کارگران گرفت، از سخنران زن و یکی از نمایندگان کارگری خوزستان در اول ماه مه ۱۳۲۵ که نفت را مروراید ایران خواند و انگلستان را متهم کرد که برای خوراک سگها بیشتر از مزد کارگران

خرج می کند و خلع ید از شرکت ایران و انگلیس را خواستار شد و اولین بار خواست ملی شدن نفت در ایران را مطرح کرد، نامی نخواهند برد.

سرمایه داری هیچگاه زنان را استوار و یک زن نمی خواهد ، سود در کالایی دیدن زنان و سود بردن از آنان است ، نه انسان بودنشان.

فردریش انگلس می گوید: « فریادهای سرمایه داری در این باره که گویا کمونیست ها میخواهند اصل مالکیت را از میان بردارند، آزادی شخصی را محو کنند، ملت و میهن راملخی سازند، زنان را اشتراکی کنند، همه و همه این اتهامات تنها از وابستگی سرمایه داری به مالکیت خصوصی، آزادی سرمایه داری و میهن سرمایه داری سرچشمه می گیرد. این خود سرمایه داران هستند که مالکیت اعضا جامعه را سلب کرده اند، این سرمایه داران هستند که آزادی اکثریت جامعه را از میان برده اند، این سرمایه داران هستند که میهن زحمتکشان را از آنان گرفته و خصومت میان ملت ها را دامن می زنند و این سرمایه داران هستند که در واقع امر زنان را اشتراکی کرده و فحشا رسمی، غیر رسمی را رواج داده اند»

آری ، شعور انسانی سازنده مناسبات اجتماعی نیست، بلکه مناسبات اجتماعی است که شعور انسانی را می سازد.

**جهانی عاری از ستم سرمایه داری و استثمار و برده داری نوین و خشونت ممکن است.**

## سندیکاهای کارگری و زنان

در سندیکاهای کارگری زنان هم انتخاب می کنند و هم انتخاب می شوند و هیچگونه تمایزی بین زنان و مردان وجود ندارد.

در سندیکاهای کارگری ، زنان همدوش مردان برای زندگی بهتر فعالیت می کنند.

در سندیکاهای کارگری به مردان و زنان آموزش داده می شود که بدون مشارکت زنان هیچ جنبشی به موفقیت نخواهد رسید .

سندیکاهای کارگری تلاش می کنند که حقوق برابر برای کار برابر با مردان در کارخانه ها برای زنان بدست بیاید .

دستمزد بهتر برای زنان ، به معنای درآمد بیشتر برای کل خانواده است.

در شرایطی که زنان و مردان زحمتکش و مزد بگیر شغل خود را از دست می دهند، مبارزه برای حق داشتن مهدکودک برای زنان شاغل آسان نیست ، سندیکاهای کارگری بیشترین تلاش را برای به دست آوردن این حقوق می کنند.

سندیکاهای کارگری خواهان دستمزد بهتر برای زنان و حق داشتن شیرخوارگاه و مهد کودک که باعث آزاد شدن نیرو و وقت زن و مرد مزدبگیر می شود، هستند.

سندیکاهای کارگری خواهان افزایش مرخصی بارداری قبل و بعد زایمان برای زنان و مرخصی برای مردان مزدبگیر در جهت کمک به همسرشان، هستند.

حق بازگشت به شغل قبل از زایمان، برای زنان ، در سندیکاهای کارگری یک امر بدیهی است و در این راه از هیچ کوششی فرو گذار نخواهند کرد.

ازدواج حق همه انسانها و بخصوص دختران است و این موضوع را مانع استخدام و یا اخراج کارگران مرد و زن نمی داند و سندیکاهای کارگری برای محو این تبعیض ، فعالیت می کنند.

تبعیض در انتخاب شغل یک ستم به زنان است و سندیکاهای کارگری برای رفع این تبعیض کوشش می کنند.

سندیکاهای کارگری عدم دستیابی به حقوق گفته شده را خشونت علیه زنان در جامعه می داند که نظام سرمایه داری بر آنان و خانواده هایشان اعمال می کند. خشونت که جامعه در قبال زنان و مردان روا می دارد ، باعث پدید آمدن خشونت های فردی در جامعه و به خصوص علیه زنان می شود. برای رفع این ستم های اجتماعی سندیکاهای کارگری همدوش زنان مبارزه و فعالیت می کنند.

**زنان و مردان در پیکار برای آزادی همدوش و همراه یکدیگرند. تنها راه رهایی از خشونت های اجتماعی، اقتصادی و قضایی ، همراهی زنان و مردان در این راه است.**

## فرمانده نیروهای دفاعی کوبانی یک زن است!



**تصویر فرمانده یگان های دفاع خلقی کوبانی سوریه، رامین آفرین.** هفته نامه آلمانی فوکوس، از قول رامی عبدالرحمان، رییس مرکز نظارت بر حقوق بشر سوریه، می نویسد که میسا عبدو، با نام مستعار رامین آفرین، فرماندهی مشترک نیروهای ی پ ژ، را همراه با محمود برخودان، بر عهده دارد. این موضوع از سوی مصطفی عبدی، فعال کرد، نیز تأیید شده است. گفته می شود که میسا عبدوی ۴۰ ساله زنی «باهوش و با فرهنگ» است، که نام رزمی او به منطقه آفرین از حلب اشاره دارد و به گفته عبدی، او به وضعیت روحی و مشکلات رزمندگان نیز رسیدگی می کند.

سهم بالای مشارکت زنان در صفوف رزمندگان کوبانی، سنت دیرین سازماندهی کارگری است. سهم مشارکت زنان در شوراهای محلی مناطق کرد نشین خود مختار سوریه ۴۰ درصد است.

احساس پدر  
 دخترک از پدر پرسید پدر جان چی وقت خوشحال میشوی  
 پدر گفت وقتی لبخند روی لبانت ببینم  
 دخترک پرسید چی وقت رنج میبری  
 پدر گفت روزی که دست خالی به خانه برگردم  
 دخترک گفت پدر جان دست خالی که آمدی من میخندم تا  
 تو خوشحال شوی



هجدهم اسفند (هشتم مارس)

روز جهانی زن

مبارک

